

۲۲ هُنون گفتن: «گرنلیوس فرمونده اَمونَ فرسنیده. او پیا صالح و خدا ترسیه و یهودیون کُل پی خوبی آزش یاد بگنن. او ا ملاکه مقدس دستور گروفته که دُما تو فرسنه و تونَ به خوئش دعوت کورده، تا به قِصات گوش دهه.» ۲۳ پ پطرس هُنونَ به خونه بُورد تا مَمون او بوون.

صوباش ورسید و پشون روته بیس. بعضه ا برارون ال یافا اَم پی او رفتن. ۲۴ پصوباش به قِصریه رسیدن. گرنلیوس قومون و دوسون نزیکش گُرد کورد بید و بندیر بید تا ا ره رسن. ۲۵ همیطو که پطرس م خونه بمیومه، گرنلیوس نوهاش رفت و به پاش اُفتید، اووه پرستش کورد. ۲۶ اما پطرس اووه بُلند کورد و گُف: «ورسک؛ مونم انسانیه بیشتر نسُم.»

۲۷ اوسون هموطو که قصه بکوردن م خونه اوین و اونجون پی عده زیاده ری به ری بیس. ۲۸ پطرس به هُنون گُف: «شُمون خوتون دونه که سی یهودیون حرومه که پی غر ا یهودیون رفت و شد گُنن یا خوئشون روون. اما خدا به مونشون دا که هیچ گسه نجس یا ناپاک حساب نگنم. ۲۹ پ وختی دُمام فرسنیده، بی هیچ اعتراضه اوَمم. ایسون گووه، اچه مون مَخاسیه؟»

۳۰ گرنلیوس جواب دا: «چار روز پیش م همی وخت، نزیک ساعت سو پَسین، م خونه خودم مشغول دعا بیدم که یکنه پیاپه م جومه نورونی نوهام وسید ۳۱ و گُف: "گرنلیوس، دعاهاست مستجاب بیس و خدا صدقات قبول کورده و تونَ به یاد آورده. ۳۲ گسونیه به یافا فرسن تا شمعون معروف به پطرس اینجون ارن. او پیش شمعون دباغ که خوئش کنار دریاس ممونه." ۳۳ پ زیتره دُمات فرسنیدم و تو اَم لطف کوردی و اومی. ایسون کُل در حضور خدا حاضر م تا هر چی خداوند به تو فرموده، شنُم.»

۳۴ پطرس ایطو قصه کورد: «ایسون فمیدم که خدا اُروسی تبعضه بن مردم قائل نی؛ ۳۵ بلکه ا هر قومه، هر که ا خدا بترسه و هر چیه که دُسه انجوم دهه، مقبول او ببوه. ۳۶ شُمون ا پیومه که خدا سی قوم اسرائیل فرسنیده آگاهیه که خبر خوئش صلح و سلومتیه به واسطه عیسی مسیح که خداوند همس، اعلام کورد. ۳۷ شُمون دونه که ای امر چطو بعد ا تعمیده که یحیی به وان موعظه بکورد، م ولایت جلیل شرو بیس و م سرتاسر یهودیه رواج گروفت، ۳۸ و چطو خدا عیسی ناصری پی روح القدس و قدرت مسح کورد، اوطو که همه جا بگشت و کارا خوبه بکورد و کُل هُنون که زر ستم شیطون بیدن، شفا بداد، سی یانکه خدا پی او بید.»

۳۹ «اَمون شاهدون کُل اعماله هسیم که او م سرزمین یهود و م اورشلیم انجوم دا. هُنون اووه به صلیب کشیدن و گشتن. ۴۰ اما خدا اووه م روز سووم زنده و

ظاهر کورد، ^{۴۱} اما نه وَر کُل، بلکه تِنَا وَر شاهدونه که خودش آ پَش انتخاب کورد بید، یعنی وَر اُمون که بعد آ رستاخیز او آ موردون، پی او خوریم و نوشیدیم. ^{۴۲} او به اُمون فرمون دا تا ای حَقَقَت به قوم اعلام کُئِم و شوهادت دِهم که خدا اووَه تعیین کورده تا قوضی زندون و موردون بووه. ^{۴۳} پِغَمبرون کُلشون درباره عیسی شوهادت بدهن که هر که به نوم او ایمون آره، گُناهاش آمرزیده بیون.»

^{۴۴} پِطْرُس هَنی قِصَه بکورد که روح القدس وَر کُل هُنون که پیوم بَشَنَفْتَن نازل بیس. ^{۴۵} عِدِه زیاده آ ایموندارون یهودی نژاد که پی پِطْرُس او مین بید، وختی دیدن روح القدس حتی وَر غِر یهودیون آم عطا بیسه، جَرَت کوردن. ^{۴۶} سی یانکه بَشَنَفْتَن که هُنون پی زبونا غِر قِصَه بکُئِن و خدان حمد بکُئِن. اوسون پِطْرُس گُف: ^{۴۷} «ایسون که هُنون روح القدس دُرس لِف اُمون دریافت کوردنه، آیا کِسِه تَرَه مانع تعمیدشون پی او بووه؟» ^{۴۸} پَ دستور دا هُنون به نوم عیسی مسیح تعمید دهن. اوسون آ پِطْرُس مَخاسن چِن روزه پِشون مَنه.

۱۱

گزارش پِطْرُس به کلیسا

^۱ رسولون و برارون م سراسر یهودیه شَنَفْتَن که غِر یهودیون آم کَلوم خدان قبول کوردنه. ^۲ پَ وختی پِطْرُس به اورشلیم ورگشت، طرفدارون سنت ختنه کوردن و شَ اراد گروفتن، گفتن: ^۳ «چطو تَرسی خونه ختنه نبیسون رووی و پِشون سَر یه سفره نشینی؟»

^۴ پِطْرُس کُل ماجران آ اول مفصل سیشون تعریف کورد، گُف: ^۵ «مو م شر یافا مشغول دعا بیدم که م عالم رویا دیدم چی لِف سفره گِبِه که آ چار گوشش دِنْدِلوز بید، آ اَسْمون زر اوَمه و وَر مو رسید. ^۶ خوب که سیل کوردم، چارپایون و وحوش و خزندون و باهندون سَرش دیدم. ^۷ پَ ندایه به گوشم رسید که بگُف: ”ای پِطْرُس، ورسک، ذبح کُن و خور.“»

^۸ «جوواب دام: ”دیر آ مو با، ای خداوند، سی یانکه هیچ وخت وَر چی حروم یا ناپاک لو نَزَندمه.“»

^۹ «آندو آ اَسْمون ندا اوَمه که ”هر چیه خدا پاک کورده، تو ناپاک حساب مکن.“ ^{۱۰} و ای امر سو ر تکرار بیس؛ بعد کُل هُنون به اَسْمون بالا بورده بیسن.»

^{۱۱} «م هَمو وخت، سو نفر که آ شَر قِصَرِیَه پِیشم فرسَنیده بیسن بید، به خونه که مِئِس مِمون بیدم رسیدن. ^{۱۲} روح خدا به مو گُف که سی رفتن پِشون شک

مکن. ای شیش برار آم پی مو او من، آمون به خونِه او پیا که دُما مو فرسَنید بید رَسیدم. ^{۱۳} او سی آمون تعریف کورد که چطو م خوتس ملاکه دیدِه که به او گفته: «گسونیه یافا فرسن تا شمعون معروف به پطرس اینجون آرن. ^{۱۴} او سی تو پیومه داره که به واسطه وان تو و کُل آل خونت نجات پدا بکنه.» ^{۱۵} «تا شرو به قصه کوردم، روح القدس ورسون نازل بیس، درس هموطو که سی ر اول وَر آمون نازل بیس. ^{۱۶} اوسون گفته خداوند به یادم اومه که فرمود بید: «یحیی پی او تعمد بدا اما شمون پی روح القدس تعمد پدا بکنه.» ^{۱۷} آر خدا همو عطان به هنون بخشیده که بعد آ ایمون آوردن به عیسی مسیح خداوند به آمون عطا کورده، پ مو کیم که خاسه بووم مانع کار خدا بووم؟» ^{۱۸} وختی ای قسان فمیدن، ساکت بیسن و خدان حمد کوردن، گفتن: «به یقین که خدا به غر یهودیون آم ای فرصت بخشیده تا هنون آم آ گناهاشون توبه کُنن و زندگی ابدی پدا کُنن.»

کلیسا اَنطاکیه

^{۱۹} وختی بعد آ گشتن استیفان، شکنجه ایموندارون شر اورشلیم شرو بیس، هنون که آ اورشلیم گروختن بید تا توحی فینیقیه و قبرس و اَنطاکیه پش رفتن و کلوم تناسی یهودیون اعلام بکوردن و بس. ^{۲۰} اما بن هنون عده آم آل قبرس و قیروان بیدن که وختی به اَنطاکیه رسیدن، پی یونانیون آم قصه کوردن و خبر خووش عیسی خداوند به هنون دان. ^{۲۱} دس خداوند آم پی هنون بید و گروه زیاده ایمون آوردن و به خداوند ری کوردن. ^{۲۲} وختی ای خبر به کلیسا شر اورشلیم رسید، برنابان به اَنطاکیه فرسَنیدن. ^{۲۳} وختی او به اونجون رسید و فیض خدان دید، شاد بیس و کُل تشوق کورد تا پی کُل دل به خداوند وفادار منن، ^{۲۴} سی یانکه برنابا پیا خوبه پُر آ روح القدس و ایمون بید. ایطو عده زیاده به خداوند ایمون آوردن. ^{۲۵} بعد آ وان، برنابا به تارسوس رفت تا سولس پدا کُنه. ^{۲۶} و وختی پداهش کورد، اووه به اَنطاکیه آورد. هنون اونجون یه سال تموم پی کلیسا گرد بیسن و گروه زیادیه تعلیم بدان. م اَنطاکیه بید که شاگردون سی ر اول مسیحی، لقب دان.

^{۲۷} م او روزا چن نبی آ اورشلیم به اَنطاکیه او من. ^{۲۸} یکه آ هنون که آگابوس نومش بید، ورسید و پی الهام آ روح پشگویی کورد که قحطی سخته م سرتاسر دنیا بمیا. ای قحطی م زمون حکومت کلودیوس اتفاق اُفتید. ^{۲۹} پ شاگردون مَخاسن هر ک چن قدر وسعش، کمکه سی برارون ساکن یهودیه فرسَنن. ^{۳۰} پ

ایطو کوردن و هدیه بدس برنابا و سولس پیش ریش سفدون فرسیندن.

۱۲

رهوی پطرس آ زندون

۱ م او زمون، هیرودیس پادشا شرو به آزار و اذیت عده آ افراد کلیسا کورد. ۲ به دستور او یعقوب برار یوحنا پی شمشیر گشتن. ۳ و وختی دید که ای کار پسند یهودیونه، بتز آ یان کورد و پطرس آم دسگیر کورد. یان م روزا عید نون فطیر اتفاق افتید. ۴ هیرودیس بعد آ گروفتار کوردن پطرس، اووه م زندون بس و چار دسه چار نفری وند تا آ او نگبونی دهن و مخاس که بعد آ عید پسخ اووه نوها گل محاکمه گنه.

۵ پ پطرس م زندون هشتن، اما کلیسا پی جدیت پیش خدا سی او دعا بکورد.

۶ یه شو قبل آ روزه که هیرودیس مخاس پطرس به محاکمه گشه، اووه پی دو زنجیر بسن بید و منجا دو سرباز خفتید بید، نگبونون آم نوها در زندون مراقب بیدن. ۷ یکنه ملاکه خداوند ظاهر بیس و نوره م زندون توبید. ملاکه پلی پطرس زند و اووه بیار کورد، گف: «زیتره ورسک!» همو دم زنجیرا آ دساش گوشس.

۸ ملاکه اووه گف: «کمرت بند و کوشات پات کن.» پطرس همیطو کورد. اوسون ملاکه به او گف: «ردات دورت پچن و دما مو بیو.» ۹ پ پطرس آ دما ملاکه آ زندون رفت در. اما بوور نم کورد که او چیه که ملاکه انجوم داس، واقعیه، بلکه گمون کورد رویا ببینه. ۱۰ هنون آ نگبونون اول و دووم گذشتن و به دروازه آهنیه رسیدن که ری به شر بگوشس. دروازه خود به خود نوهاشون گوشس. پ رفتن در و وختی به ته کیچه رسیدن یکنه ملاکه غب بیس.

۱۱ اوسون پطرس به خودش اومه و گف: «ایسون یگه یقین دارم که خداوند ملاکه خوشه فرسینده تا مون آ چنگ هیرودیس و او چی که قوم یهود بندیرش بیدن، نجات دهنه.»

۱۲ وختی یان فمید، به خونه مریم مار یوحنا معروف به مرفس رفت. اونجون عده زیاده گرد بیسن بید و دعا بکوردن. ۱۳ وختی پطرس در خونته زند، زونه خدمتکاره به نوم رودا اومه تا در گوشه. ۱۴ اما تا صدا پطرس شناخت، آ فرط شودی، در نگوشید، رفت تو و اعلام کورد: «پطرس پشت دره!»

^{۱۵} به او گفتن: «مَرِ لَوْهَ بَبِيسِيَه؟» اما وختی اصرار او وه دیدن، گفتن: «لابد ملاکه او وه.»

^{۱۶} اما، پَطْرُسْ هَمُوَطو دَرِ بَزَنْد. آخیر، وختی دَرِ گوَشیدن، پی دیدن او خلی جَرَت کوردن. ^{۱۷} پَطْرُسْ پی اشاره دَس، هُنون ساکت کورد و ماجرانَ شرح دا که چطو خداوند او وه از ندون نجات داس. بعد گُف: «یعقوب و برارون دِگَنه آم آ ای امر باخبر گُنه.» اوسون به جایه یگه رفت.

^{۱۸} صوبا سَحْرش، بِن سپوهیون بَلِشوه بیس، سی یانکه ندونسن چه سَر پَطْرُسْ اومَسَه. ^{۱۹} هیرودیس دستور دا همه جا دُما پَطْرُسْ گردن؛ و سی یانکه او وه پدا نکوردن آ نِگبونون بازخاس کورد و حکم قتل هُنون دا. اوسون آ یهودیه به قَصْرِیه رفت و چن وخت اونجون موند.

مرگ هیرودیس

^{۲۰} هیرودیس وَر مردم صور و صیدون چر اومه بید. سی یان هُنون یه دل پیش او رفتن و اجازه شرفیوبی مَخاسن. هُنون بلاستوس، مباشر شان پی خوشون متحد کوردن، دُما اُشتی کوردن بیدن، سی یانکه خوراک و معاش هُنون آ سرزمین هیرودیس فراهم بیس.

^{۲۱} م روز مقرر، هیرودیس ردا شوهی و ش کورد، سَر تخت نشس و نطقه سی جمعیت کورد. ^{۲۲} مردم فریاد کوردن: «یان صدا یکه آ خدایونه، نه صدا آدمِه!» ^{۲۳} هَموسون، ملاکه خداوند او وه رَند، سی یانکه خدانَ تجلیل نکورد بید. اوسون کرما بدنش خوردن و مورد.

^{۲۴} اما کلوم خدا پی سرعت پش رفت و پخش بیس.

^{۲۵} وختی برنابا و سولس مأموریت خوشونه انجوم دان. آ اورشلیم ورگشتن و یوحنا معروف به مَرُفَسْ آم پی خوشون آوردن.

۱۳

رسالت برنابا و سولس

^۱ م کلیسایه که م اَنطَاقیه بید، انبیا و معلمون زیاده بیدن: برنابا، شَمعون معروف به نیجر، لوکیوس قیروانی، مَنانن که برار شیری هیرودیس حاگم بید و سولس. ^۲ زمونه که هُنون مشغول عبادت خداوند و روزَه گروفتن بیدن، روح القدس گُف: «برنابا و سولس سی کاره که دعوتشون کوردُمه، سی مو سوا گُنه.» ^۳ اوسون، بعد آ روزَه و دعا، دَس سَر او دو تا وندن و هُنون رونه سفر کوردن.

داین خبر خووش م قبرس

^۴ ایطو، او دو تا که آ جانوب روح القدس فرسنیده بیسن بید، به سلوکیه رفتن و آ اونجون آ ره دریا به قبرس رسیدن. ^۵ وختی م شر سلامیس اوین، م معبدا یهودیون کلوم خدان موعظه کوردن. یوحنا معروف به مرفس آم پی هنون بید و کمکشون بکورد.

^۶ هنون کل جزیرن زر پا وندن تا به شر پافوس رسیدن. اونجون پی شخصه یهودی به نوم باریشوع که جادوگر بید و ادعا پغمبری بکورد ری به ری بیسن. ^۷ او آ دوسون 'سیرگیوس پولس' فرمونداری بید. فرمونداری که پیا دونایه بید، برنابا و سولس احضار کورد، سی یانکه مخاس کلوم خدان شنه. ^۸ اما علیمای جادوگر که معنی نومش یان، پشون وند به مخالفت و سعی کورد که نهله، فرمونداری ایمون آره. ^۹ م ای وخت سولس، که پولس آم بونگش بکوردن، پُر آ روح القدس بیسن، وَر او زُل زَنَد و گُف: ^{۱۰} «ای شیطن زاده، ای دشمن هر صالحی، که پُر آ حیل و فریبی! آچه آ کج کوردن رها راس خداوند دَس نَم وردوری؟ ^{۱۱} دونسه بات که دَس خداوند بر ضد تون. ایسون کور بیووی و تا مدته دِگه نتری عفتو بینی.»

هموسون، مه و توریکی نیاش گروفت و دُما گسه بگشت تا دَسش گره و رنه نشونش دهه. ^{۱۲} وختی فرمونداری ای واقعنه دید، ایمون آورد، سی یانکه آ تعلیمه که درباره خدا بدان حرت کورد بید.

پولس و برنابا م انطاکیه پیسیدیه

^{۱۳} اوسون پولس و همراهنش آ ره دریا آ پافوس به منطقه پرجه پامفیلیه رفتن. اما اونجون یوحنا آزشون سوا بیسن و به اورشلیم ورگشت. ^{۱۴} هنون آ پرجه گذشتن و به منطقه انطاکیه پیسیدیه رسیدن. م روز شمه مقدس، به معبد رفتن و نشسن. ^{۱۵} بعد آ خوندن تورات و کتابا پغمبرون، گپون معبد پیش هنون فرسنیدن و گفتن: «برارون، آر پند و نصیحه سی تشوق مردم داره، فرمایه.» ^{۱۶} پولس ورسید و پی دَس اشاره کورد، گُف: «ای پیاھون اسرائیلی و ای غر یهودیون خدا ترس، گوش دهه! ^{۱۷} خدا قوم اسرائیل، بوون آمون انتخاب کورد و قوم آمون م زمون غربتشون م مصر سریلند کورد و پی قدرته عظیم هنون آ او سرزمین آورد در، ^{۱۸} و نزیک چل سال رفتارشون م بیابون تحمل کورد. ^{۱۹} او هف قوم که م کنعان بیدن، نابود کورد و سرزمینشون به قوم خودش میراث دا. ^{۲۰} گل هنون چن چارصد و پنجا سال طول کشید.»

بعد آ وان، تا زمون سموئیل نبی، خدا داورونه، به هُنون دا. ^{۲۱} اوسون قوم پادشاهه مَخاسن و خدا شائول، کووک قیس، آ قبیلَه بنیامینَ به هُنون دا، که چل سال حکومت کورد. ^{۲۲} بعد آ ورداشتن شائول، داوودَ انتخاب کورد که شا هُنون بووه و وَش ایطو گوهی دا: "داوود کووک یَسانَ پسند خوئم دیدم؛ او خاسه مونَ بطور کامل به جا میاره."

^{۲۳} «آ نسل هَمی پیا، خدا طبق وعده خودش، نجات دهنده یَعینه عیسانَ سی اسرائیل فرسَنید. ^{۲۴} پش آ اومینَ عیسی، یحیی تعمید توبَنه سی کُل مردم اسرائیل موعظه بکورد. ^{۲۵} وختی یحیی دوره خدمت خوشه به آخر برسونید، گُف: "فکر بکنه مو کیم؟ مو او نِسْم؛ بلکه او بعد آ مو بمیا و مو حتی شایسته نِسْم بند کوشاشَن گوئم."

^{۲۶} «ای برارون، ای بچون ابروهم و ای غر یهودیون خدا ترس که اینجون حضور داره! یان پیوم نجاته که سی اُمون فرسنیده بیسه. ^{۲۷} مردم اورشلیم و گپونشون عیسانَ نَ اشناختن و پی محکوم کوردنش، گفتا پَغَمبرونَ که هر شَمیه مقدس خونده ببووه، تحقق بخشیدن. ^{۲۸} هُنون پی یانکه هیچ دلیله سی مجازات مرگ پدا نکوردن، آ پیلانَس مَخاسن اووه گُشه. ^{۲۹} و وختی کُل اوچیانَ که دربارش نوشتَه بیسن بید به انجوم رسوندن، اووه آ صلیب اُردن زِر و م قبر وندنش. ^{۳۰} اما خدا اووه اُوردون ورسونید. ^{۳۱} روزا زیاده عیسی خوشه وِر هُنون که پی او آ ولایت جلیل به اورشلیم اومین بید ظاهر کورد و هَمی ایسون اُم پیش قوممون شاهدون اوون.»

^{۳۲} «ایسون اُمون به شَمون ای خبر خووشَ بدهم که خدا هر چیه به بوئومون وعده دا بید، ^{۳۳} پی ورسونیدن عیسی، سی اُمون که بچونش هِسِم وفا کورد.» هَموطو که م مزمور دووم نوشتَه بیسه:

«تو کووک مونی؛

امروز، مو بووه تو بیسم.»

^{۳۴} «و خدا اووه اُوردون ورسونید تا هیچ وخت جسمش آ بن نرووه،» هَموطو که نوشتَه بیسه:

«برکات مقدس و مطمئنی

که به داوود وعده دایه بیس بید،

به شَمون ببخشُم.»

^{۳۵} و سی هَمی یان م مزموره دگه گفته بیس:

«نم هلی جسم کووک مقدست م قبر

آ بن رووه.»

۳۶ «اما داوود بعد آ وانکه به اراده خدا مردم زمون خوشه خدمت کورد، مورد و پیش بوون خودش رفت و جسمش م قبر آ بن رفت. ۳۷ اما گسیه که خدا آ موردون ورسونید بید، آ بن نرفت.»

۳۸ «پ، ای برارون، دونسه بووه آمرزش گناهایه که به واسطه همی شخص فراهم اومسه، به شمون اعلام بووه. ۳۹ ایسون هر که ایمون آره، به واسطه او صالح حساب بووه م هر چی که نترسیه به واسطه شریعت موسی صالح حساب بووه.» ۴۰ دلتون ديهه ای نوشتیه کتابا پغمبرون سرتون ن آیه که بگووه: ۴۱ «سبل گنه، ای گسونه که حقیقت کوچوک حساب گنه،

جرت گنه و هلاک بووه،

سی یانکه م زمون شمون کاره بکنم،

که هر چن به شمون گون

آته بوور تم گنه.»

۴۲ وختی پولس و برنابا آ معبد اوین در، مردم آزشون تمنا کوردن که شمبه مقدس دگه آم در ای مورد سیشون قصه گنین. ۴۳ بعد آ یانکه جوماعت معبد ترک کوردن. خلی آ یهودیون و اشخاص خداپرست که به یهودیت ایمون آوردن بید، آ دما پولس و برنابا ره آفتیدن. او دو تا پی او عده قصه کوردن و هنون به استقامت م فض خدا تشوق کوردن.

۴۴ شمبه مقدس بعد، تقریبا، گل مردم شر گرد بیسن بید تا کلوم خدان فمن.

۴۵ اما یهودیون وختی ازدحام مردم دیدن، آ حسیدی زیاد آ هنون بدگویی کوردن و به ضد قضا پولس ورسیدن.

۴۶ اوسون پولس و برنابا پی شجاعت گفتن: «لازم بید کلوم خدا پش آ گل سی شمون اعلام بووه. اما سی یانکه وان رد کورده و خوتونه شایسته حیات ابدی ندونسه، پ ایسون ری آلا غر یهودیون بکنم. ۴۷ سی یانکه خداوند به امون ایطو امر کورده که:

«تون نوره سی غر یهودیون کوردم،

تا نجات به چار گوشه زمین رسونی.»

۴۸ وختی غر یهودیون یان فمیدن، خوشحال بیسن و کلوم خداوند حرمت وندن؛ و هنون که سی حیات ابدی انتخاب بیسن بید، ایمون آوردن.

۴۹ ایطو کلوم خداوند م سرتاسر او ناحیه پخش بیسن. ۵۰ اما یهودیون، زنون خداپرست و متشخص و همیطو پیاھون سرشناس شر شوروندن و هنون به آزار پولس و برنابا تحریک کوردن. پ پولس و برنابان آ او ناحیه در بسن. ۵۱ هنون آم به نشون اعتراض، گرد و خاک پاهاشون تکنیدن و به شر قونیه

رفتن. ۵۲ اما شاگردون پُر آشودی و روح القدس بیدن.

۱۴

پولس و برنابا م قونیه

۱ م قونیه ام پولس و برنابا به معبد یهود رفتن و طوره قصه کوردن که عده زیاده آ یهودیون و یونانیون ایمون آوردن. ۲ اما یهودیونه که ایمون ن آوردن بید، غر یهودیون شوروندن و فکرشون نسبت به برارون، خراب کوردن. ۳ پ پولس و برنابا مدت زیاده اونجون موندن و پی شجاعت درباره خداوند قصه بکوردن. خداوند پی بخشیدن قدرت انجوم آیات و معجزا به هُنون، پیوم فض بخش خوشه تایید بکورد. ۴ مردم شر دو دسه بیسن؛ دسه به جانوبدوری آ یهودیون ورسیدن و دسه دگه جانوب رسولون گروفتن. ۵ و وختی غر یهودیون و یهودیون پی گپون خوشون توطئه چندن به پولس و برنابا حمله کُین و سینگسارشون کُین، ۶ هُنون آ ای موضوع آگا بیسن و به لیستره و یربه، آ شرا لیکائونیه و نووخی اطراف گروختن. ۷ و اونجون به رسوندن خبر خووش ادامه دان.

پولس و برنابا م لیستره و یربه

۸ اما م لیستره پیایه نسه بید که نترس پاهاش حرکت دهه و هیچ وخت ره نرفت بید، سی یانکه مادرزا شل بید. ۹ وختی که پولس قصه بکورد، او گوش بدا. پولس وش زل رند و دید ایمون داره که شفا پدا کُنه. ۱۰ پی صدا بلند به او کُف: «ورسک و سر پا وس!» او پیا آ جا پرس و ره آفتید.

۱۱ وختی مردم اوچپاییه که پولس انجوم دا دیدن، پی زبون لیکائونی فریاد کوردن: «خدايون لِف انسان بنمون اومنه!» ۱۲ پ هُنون خدایون یونان، برنابان زئوس و پولس هَرمس، نومیدن، سی یانکه او سخنگو اصلی بید. ۱۳ کاهن زئوس که معبدش دُرس اولا دروازه شر بید، چن تا گو پی قیه تاج گل دم دروازه شر آورد؛ او و جوماعت شر قصد داشتن قربونی تقدیمشون کُین.

۱۴ اما وختی او دو رسول، یعنه برنابا و پولس، یان شفتن، جوماشون یردن و پی دو منجا جمعیت رفتن، فریاد کوردن که: ۱۵ «ای پیا هون آچه ایطو بگنه؟ امون ام لِف شمون، انسان هسیم. امون به شمون خبر خووش بدهم که آ ای چیا پوچ دس ورداره و به خدا زنده ری کُنه که آسمون و زمین و دریا و هر چی م وان، آوریده. ۱۶ هر چن او نوهاتر مردم غر یهود به حال خوشون هشت تا هر ک ره خوشه رووه، ۱۷ پی ای حال خدا پی کارا خویش وجود خوشه ثابت کُنه؛

او پی فرسیندن بارون آ آسُمون و بخشیدن فصلاً پُر بار، وَر شُمون مُحَبَّت کورده، خوراک فراوون به شُمون بدهه و دلاتونَ لَمیلو آ خووشی بگنه.»^{۱۸} آخیر پی ای قِصا، پی سختی تَرَسن مردم آ تقدیم کوردن قربونی منصرف کُنن.

^{۱۹} اما یهودیون آ اَنطَاقیه و قونیه اوْمِن و مردم پی خوشون متحد کوردن، پولسَ سنگسار کوردن و به گمون یانکه مورده، آ شَر کشیدنش دَر. ^{۲۰} اما وختی شاگردون گِردش جمع بیسن، ورسید و به شَر ورگشت. صوباش، پولس و برنابا رَسویار دِربه بیسن.

ورگشتن به اَنطَاقیه سوریه

^{۲۱} هُنون م او شَر آم خبر خووش دان و خلیانَ شاگرد عیسی کوردن. بعد به لَستره و قونیه و اَنطَاقیه ورگشتن. ^{۲۲} م او شَر دل شاگردون تقویت کوردن، هُنونَ به استقامت م ایمون تشوق بکوردن و نصیحت کوردن که «وا پی تحمل سختی زیاد به پادشوهی خدا رَه پدا کُنم.» ^{۲۳} هُنون م هر کلیسا ریش سَفدونه، سی ایموندارون گُماشتن و پی دعا و روزَه هُنونَ به خداوندِه که به او ایمون آوردن بید، سُپوردن.

^{۲۴} بعد آ ایالت پیسیدیه گذشتن و به ایالت پامفیلیه رفتن، ^{۲۵} و م پَرجه کلوم خدانَ موعظه کوردن و به بندر آتالیه رفتن.

^{۲۶} آ اونجون پی کشتی به اَنطَاقیه رفتن، هَمونجون که سی دل کاره که انجوم دان بید به فیض خدا سُپورده بیسن بید. ^{۲۷} وختی به اونجون رَسیدن، جوماعت کلیسانَ گِرد کوردن، آندو گفتن که خدا به واسطه هُنون چه کارایه کورده و چطو دَر ایمونَ ری غِر یهودیون گوشیده. ^{۲۸} اوسون مدت زیادِه اونجون پی شاگردون موندن.

۱۵

شورا اورشلیم

^۱ اما عِدِه آ یهودیه به اَنطَاقیه اوْمِن و به برارون تعلیم بدان که: «آر مطابق آیین موسی ختنه نبوه، نتره نجات پدا کُنه.» ^۲ پ پولس و برنابا وندن به مخالفت کوردن و بحث و گفتگو پی هُنون، قرار بر یان بیس که او دو تا پی عِدِه دِگه به اورشلیم روون و ای مسئلَه پی رسولون و ریش سَفدون در میون وَنن. ^۳ پ جوماعت کلیسا هُنونَ بدرقه کورد؛ و هُنون م رَه گذشتن آ فینیقیه و سامره، ای خبر که غِر یهودیون چطو ایمون آوردن اعلام بکوردن و کُل

برارون شاد بیسن. ^۴ وختی به اورشلیم رسیدن، کلیسا و رسولون و ریش سفدون آزشون استقبال کوردن. پولس و برنابا هر چی خدا به واسطه هُنون انجوم دا بید، سی هُنون تعریف کوردن. ^۵ اوسون بعضه آ فرقه فریسیون که ایمون آوردن بید، ورسیدن گفتن: «ای غر یهودیون وا خخته بوون و حکم دان که شریعت موسی وا حفظ بووه.»

^۶ پ رسولون و ریش سفدون گرد بیسن تا وَر ای مسئله رسیدگی کُین. ^۷ بعد آ بحث و گفتگو زیاد، آخیر پطرس ورسید و به هُنون گُف: «ای برارون، شَمون آگاهه که م روزا اول خدا مونَ آ بن شَمون انتخاب کورد تا غر یهودیون آ زون مو پیوم انجیل شُفن و ایمون آرن. ^۸ و خدایه که همه چی قلبان دونه وَر هُنون گوهی دا به یانکه روح القدس به هُنون عطا فرموده، هموطو که به اُمون عطا فرمود. ^۹ خدا بن اُمون و هُنون هیچ فرقه نونده، بلکه آ ره ایمون، دلاشون پاک کورده. ^{۱۰} پ ايسون آچه خدان امتحون بکُنه و یوغه گردن شاگردون بونه که نه اُمون قادر به حملش بییم، نه بوئمون؟ ^{۱۱} سی یانکه اُمون ایمون دارم که پی فیض خداوند عیساس که نجات پدا کوردمه، هموطو که هُنون آم نجات پدا کورده.»

^{۱۲} بعد جوماعت کُل ساکت بیسن و به برنابا و پولس گوش دان. هُنون آیات و معجزاییه که خدا بدس هُنون بن غر یهودیون ظاهر کورد بید، اعلام کوردن. ^{۱۳} وختی قصاشون تموم بیسن، یعقوب گُف: «ای برارون، به مو گوش دِهه! ^{۱۴} شمعون ملقب به پطرس تعریف کورد که چطو خدا سی ر اول غر یهودیون مورد لطف قرار داس، آ بن هُنون قومه سی خودش انتخاب کورده. ^{۱۵} یان پی پشگویی عاموس نبی مطابقه، هموطو که نوشته بیس:

^{۱۶} «بُعد آ یان، بورگردم
و خمه داوود که اُفتیده آندو بر پا بکُئم؛
خروبیاش آندو بنا بکُئم،
و وان مرمت بکُئم،
^{۱۷} تا باقه افراد بشر و

کُل غر یهودیونه که نوم مو سرشونه خداوند طلب کُین.
ایطو بگووه،

^{۱۸} خداونده که ای چیان، آ قدیم آم معلوم کورده.»

^{۱۹} «پ رای مو بر یان که هُنون که آ غر یهودیون آلا خدا بورگردن، زحمت ندیم. ^{۲۰} اما وا م نومه آزشون خاسه بووم که آ خوراک آلوده به بت پرستی، بی عفتی، گوشت جوونا خفه بیسه و خین دیری کُین. ^{۲۱} سی یانکه آ قدیم

موسیٰ مِ هر شَرِه گسونه داشتَه که به ای چیا موعظه کُنِن، هَموِطو که هر شَمِیه مقدس نوشتا اووَه مِ معبدا بخونن.»

نومه شورا به ایموندارون غِر یهودی

۲۲ پَ رسولون و ریش سَفِدون پی کُل کلیسا تصمیم گروفتن آ بِن خوشون گسونیه انتخاب کُنِن و هُنون پی پولس و برنابا به اَنطَاقیه فرسَنن. پَ یهودا معروف به برسابا و سیلاس که بِن برارون مقام رَبری داشتن، انتخاب کوردن. ۲۳ اوسون نومه دَسشون دان، به ای شرح که:

«أ اَمون رسولون و ریش سَفِدون، برارون شَمون، به برارون غِر یهودی مِ اَنطَاقیه، سوریه و کیلیکیه،

سلام!

۲۴ شَنفَتِمَه که گسونه اَ بِنمون، بی یانکه دستوره اَ اَمون داشتَه بوون، اومنه و پی قِصاشون شَمون آسَفَتَه کوردنه و باعث پَرشونی خاطرتون بیسنه. ۲۵ پَ اَمون یه دل ایطو مصلحت دیدم که پِیاهونه انتخاب کُنِم و هُنون پی عزیزونمون برنابا و پولس، پیشتون فرسَنِم، ۲۶ پی گسونه که سی دل نوم خداوندمون عیسی مسیح، جونشون مِ کف دَس وَدَنَه. ۲۷ پَ یهودا و سیلاس فرسنیدِمَه تا شَمون زبونی آ ای امور آگا کُنِن. ۲۸ روح القدس و اَمون مصلحت ایطو دیدم که باره سر شونتون نَوِیم، غِر آ ای چیا که واجبن: ۲۹ آ خوراک تقدیمی به بتا و خین و گوشت جوونا خفه بیسه و بی عفتی دیری کُنه. هر وخت آ هِنون دیری کُنه، کاره پسندیده انجوم داییه. سلومت بایه.»

۳۰ پَ هُنون رونه بیسن، به اَنطَاقیه رفتن و اونجون کلیسان گِرد کورده، نومنه رَسوندن. ۳۱ وختی هُنون نومنه خوندن، آ پیوم دلگرم کُننده وان شاد بیسن. ۳۲ یهودا و سیلاس آم که نبی بیدن، پی قِصا زیاد، برارون تشوق و تقویت کوردن. ۳۳ پَ قدره اونجون موندن و بعد برارون هُنون بسلومت رونه کوردن تا پیش هُنون که فرسنیدنشون بید ورگردن. ۳۴ اما پولس و برنابا مِ اَنطَاقیه موندن ۳۵ و پی خلیا دِگه به تعلیم و موعظه کلوم خداوند مشغول بیسن.

اختلاف بِن پولس و برنابا

۳۶ بعد آ قدره، پولس به برنابا کُف: «به شرایه که کلوم خداوند مِ هُنون موعظه کوردم، ورگردم و پی برارون دیدن کُنِم تا بینم در چه حالین.» ۳۷ برنابا مَخاس یوحنا معروف به مَرَفُس آم پِشون بَرِن، ۳۸ اما پولس مصلحت ندید گسیه که مِ پامفیلیه هُنون تِنَا هِشت بید و پِشون همکوری نکورد بید، پی

خوشون بَرَن. ^{۳۹} اختلاف اَقَدَه بالا گروف که آ یِکدو سوا بیسن. برنابا، پی مَرُقُس آ رَه دریا روھی قبرس بیس؛ ^{۴۰} اما پولس، پی سیلاس بَدَس برارون به فیض خداوند سُپورَدَه بیس و عازم سفر بیس. ^{۴۱} پولس هَموَطو که آ سوریه و کیلیکیه رَد بیس، کلیساهان م ایمون تقویت بکورد.

۱۶

پوستن تیموتائوس به پولس و سیلاس

^۱ پولس به شَر ډربه و بعد به شَر لِستره اوَمَه. اونجون شاگَرِدِه به نوم تیموتائوس زندی بکورد که مارش یهودی و ایموندار بید، اما بووش یونانی بید. ^۲ برارون م لِستره و قونیه آزش پی خوبی یاد بکوردن. ^۳ پولس وختی آ تیموتائوس مَحاس م سفر پشون رووَه، سی دل یهودیونه که م او ناحیه زندی بکوردن اووَه ختنه کورد، سی یانکه کُل دونسن بووش یونانیه. ^۴ هُنون وختی آ شَره به شَر ډگه برفتن، قوانینیَه که رسولون و ریش سَفون م اورشلیم وضع کوردن بید، به مردم بَرسوندن تا هُنون رعایت کُنن. ^۵ پ، جوماعت کلیساه م ایمون تقویت بیسن و هر روز وَر تعدادشون اضافَه بیسن.

رویا پولس درباره پیا مقدونی

^۶ بعد، سراسر دیار فریجیه و غلاطینَه طی کوردن، سی یانکه روح القدس هُنون آ رَسوندن کلوم به ایالت آسیا منع کورد بید. ^۷ وختی به سَر حد منطقه میسیه رَسیدن، سعی کوردن به بیطینیَه روون، اما روح عیسی به هُنون اجازه نَدا. ^۸ سی هَمی یان، آ میسیه گذشتن و به شَر تروآس رفتن. ^۹ وخت شو، پولس م رویا دید که پیا مقدونیه نوهاش وستس، به او التماس بَکُنَه که «به مقدونیه بیو و اُمون یوری کُن.» ^{۱۰} وختی ای رویان دید، زیتره عازم مقدونیه بیسم، سی یانکه مطمئن بیسم که خدا اَز مون مَحاسَه تا به هُنون خبر خووش ډهَم.

ایمون اُردن لیدیه م فیلیپی

^{۱۱} پ، آ تروآس پی کشتی یَه راس به جزیره ساموترای رفتیم و صوباش به شَر نیاپولیس رَسیدیم. ^{۱۲} آ اونجون به فیلیپی رفتیم که یِکَه آ شَرَا مستعمره روم بید و داخل مرز مقدونیه بید. چَن روزه اونجون موندم. ^{۱۳} روز شَمبِه مقدس آ شَر خارج بیسم و کنار روخونَه رفتیم، انتظار داشتیم که اونجون جایه سی دعا بووه. پ نشیم پی زونَه که گَرِد بیسن بید، قَصَه کوردم. ^{۱۴} بِن هُنون زونه خداپرست آ شَر تیاتیرا بید که به قِصامون گوش بدا.

نوم او لیدیه بید و فروشنده پارچا ارغونی بید. خداوند قلب او وه گوشید تا به پیوم پولس گوش دهه. ^{۱۵} وختی او پی آل خوئش تعمید گروف، پی اصرار زیاد به اُمون گُف: «آر یقین داره که به خدا ایمون اُردُمه، بیایه و خونه مو مَنه.» اُمون آم آخیر تسلیم خاسه او بیسم.

پولس و سیلاس م زندون

^{۱۶} یکتَه که به محل دعا برفتم، پی کنیزه ری به ری بیسم که روح غبگویی داشت و آره فالگری سود زیاده عاید اربابونش بکورد. ^{۱۷} او دُما پولس و اُمون ره اُفتید بید و پی فریاد بگُف: «ای پیاھون، خدمت گزارون خدا متعالن و ره نجات به شُمون اعلام بگُنین.» ^{۱۸} او روزا زیاده هَمی کار بکورد. آخیر صبر پولس وارس و ورگشتت به روجه که م وجود او کنیز بید گُف: «به نوم عیسی مسیح تون امر بگُتم که آ ای دختر آبی در!» هَمو دم، روح آزش درومه.

^{۱۹} اربابون او کنیز وختی دیدن امد کسبشون به باد رفته، پولس و سیلاس گروفتن و تُرگش م بازار پیش مراجع بوردن. ^{۲۰} پ هُنون به حضور مقامات اُردن و گفتن: «ای پیاھون یهودین و شر اُمون به آشوب کشیدنه. ^{۲۱} رسماییه تبلیغ بگُنین که قبول کوردن و به جا اُردنشون سی اُمون رومیون جایز نی.» ^{۲۲} مردم م حمله به پولس و سیلاس پی هُنون همدس بیسن و مقامات آم دستور دان جوماشون دیران و چو زَننشون. ^{۲۳} وختی هُنون چو زندن، م زندون بسنشون و به زندونبون دستور دان سفت سخت مراقب هُنون بووه. ^{۲۴} زندونبون وختی ایطو دستور گروف، هُنون م پستو زندون بورد و پاهاشون پی زنجیر ور گنده بس.

^{۲۵} نَزیک نصف شو، پولس و سیلاس مشغول دعا بیدن و پی سرود خدان حمد کوردن و زندونیون دگه ام گوش دان ^{۲۶} که یکتَه زلزله عظیمه اتفاق اُفتید، اوطو که پاکار زندون به لرزه درومه و درا زندون هَمو دم گوشسن و زنجیرا اَس و پا کُل واز بیسن. ^{۲۷} زندونبون بیار بیس و وختی دران گوشیده دید، شمیره وردادشت تا خوشه گُشه، سی یانکه فکر کورد که زندونیون گروختنه. ^{۲۸} اما پولس پی صدا بُلند گفتش: «وَر خودت آسیبه مرسون سی یانکه اُمون کُل اینجونم!» ^{۲۹} زندونبون چراغه مخاس و سراسیمه م زندون رفت و در حاله که بدکس به پا پولس و سیلاس اُفتید. ^{۳۰} بعد، هُنون اُرد در و پرسید: «ای سرورون، چطو ترم نجات پدا گُتم؟»

^{۳۱} هُنون جوواب دان: «به خداوند عیسی مسیح ایمون بیار که تو و آل خونت

نجات پیدا بکنه.»^{۳۲} اوسون کلوم خداوند سی او و کُل گسونه که مِ خوئش بیین، اعلام کوردن.^{۳۳} مِ هَمو ساعت ا شو، زندونیون هُنون وِرداشت، زخماشون شُشت و زیتره او و کُل اَلِ خوئش تعمیرد گروفتن.^{۳۴} او هُنون مِ خوئه بورد و سفره سیشون پِم کورد. او و کُل اَلِ خوئش ا یانکه به خدا ایمون آوردن بید خلی خوشحال بیین.

^{۳۵} وختی روز بیس، مقامات مامورونیه پیش زندونیون فرسیندن، گفتن: «او پیاهون آزاد کُن!»^{۳۶} زندونیون پولس ا ای پیوم آگا کورد و کُف: «مقامات دستور دانه که شُمون آزاد کُمن. پِ ایسون بیایه دَر و بسلومت رووه.»

^{۳۷} اما پولس در جواب کُف: «اُمون که رومی هسیم بی محاکمه نوها کُل چو زَنَدَنَه و زندون بسنه. ایسون مَخَن پنهونی آزادمون کُین؟ اصلا! وا خوشون این و اُمون ا اینجون بَرَن دَر.»

^{۳۸} مامورون یان به مقامات گفتن و هُنون وختی شُفتن که پولس و سیلاس رومین، خلی ترسیدن^{۳۹} و اومین، آزشون عذرخواهی کوردن و تا دَر زندون بدرقشون کوردن، خواهش کوردن که شَر ترک کُین.^{۴۰} هُنون اَم بعد ا ترک زندون، خوئه لیدیه رفتن. اونجون برارون دیدن و هُنون تشوق کوردن. بعد اونجون ترک کوردن.

۱۷

بَلبشو م تسالونیکِی

^۱ پولس و سیلاس ا شَر ا آمفیپولیس و آپولونیا گذشتن و به تسالونیکِی اومین که یهودیون معبده اونجون داشتن.^۲ پولس طبق رسم به معبد رفت و سو شَمبِه مقدس ا کتابا مقدس پشون بحث و گفتگو کورد^۳ و توضیح دا، دلیل اورد که ضروری بیده مسیح رنج کُشه و ا موردون زنده بووه. او بگُف: «ای عیسی که اووه به شُمون اعلام کُمن، هَمو مسیح موعوده.»^۴ بعضه ا هُنون و عده ا یونانیون خداپرست و دَسبِه گِبِه ا زنون سرشناس، مجاب بیسن و به پولس و سیلاس پوستن.

^۵ اما یهودیون حسیدی کوردن و عده اوباش ا بازار گرد کوردن، دَسبِه ره بیسن و مِ شَر بَلبشو کوردن. هُنون دُما پولس و سیلاس به خوئه یاسون هوجیم بوردن تا هُنون منجا جوماعت آرن.^۶ اما وختی پداهشون نکوردن، یاسون و عده دِگِه ا برارون پیش مقامات شَر گشوندن و فریاد زندن که «ای پیاهون که کُل دنیان به آشوب کشیدنه، ایسون اینجون^۷ و یاسون هُنون مِ خوئش بورده. هُنون کُشون ا فرمونا قِصَر سرچی بکُین و مدعین که شا دِگِه به نوم عیسی

هی.»^۸ وختی مردم و مقامات شرّ یانَ شُفُتن، چر اوِمن. ^۹ اوسون آ یاسون و باقَه دِگَه جریمه اُسوندن و آزادشون کوردن.

پولس و سیلاس م بیریه

^{۱۰} برارون م هَمو شُو، پولس و سیلاس به شرّ بیریه روئَه کوردن. هُنون وختی اونجون رَسیدن، به معبد یهود رفتن. ^{۱۱} هُنون آ مردم تسالونیکِ نجیب تر بیدن، سی یانکه پیوم پی اشتیاق قبول کوردن و هر روز کتابا مقدس بررسی بکوردن تا بینن آیا اُروسی ایطوره. ^{۱۲} هَمیطو، خلی آ یهودیون و عده زیاده آ زنون و پیاھون سرشناس یونانی ایمون اُوردن.

^{۱۳} وختی یهودیون تسالونیکِ فَمیدن که پولس م بیریه آم کلوم خدانَ مو عظه بکنه، اونجون رفتن، مردم تحریک کوردن و شوروندن. ^{۱۴} برارون بی معطلی پولس آلا ساحل روئَه کوردن، اما سیلاس و تیموتائوس م بیریه موندن. ^{۱۵} هُنون که پولس بدرقه بکوردن، اووه تا اتن همروھی کوردن و بعد آ یانکه سی سیلاس و تیموتائوس دستور گروفتن که زیتره پیش پولس روون، اونجون ترک کوردن.

پولس م اتن

^{۱۶} هَموسون که پولس م اتن بندیر سیلاس و تیموتائوس بید، آ یانکه بدید شرّ پُر آ بتَه، دلش اِشکس و خلی چر اوَمَه. ^{۱۷} سی یان، م معبد پی یهودیون و یونانیون خداپرست و هَمیطو هر روز م مدون شرّ پی رهگذرون بحث و گفتگو بکورد. ^{۱۸} عده آ فیلسوفون اپیکوری و رواقی آم پی او وندن به بحث و گفتگو کوردن. بعضه آ هُنون بگفتن: «یان پی قِصا بخودش چه مخو گووه؟» بعضه بگفتن: «گویا خدایون دِگَنه تبلیغ بکنه.» سی یانکه پولس، خبر خووش عیسی و قیامت به هُنون بدا. ^{۱۹} اوسون اووه گروفتن، به مجمع 'اریوپاگوس' بوردن و اونجون به او گفتن: «آیا ترم دونسه بووم ای تعلیم جدید که تو بدهی چیَه؟» ^{۲۰} قِصات سی اُمون عجیبین. پ مَحَم معنیش دونسه بووم. ^{۲۱} کُل آل اتن و غریبونه که اونجون زندی بکوردن، مشغولیتَه غِر آ یان نداشتن که وخت خوشونه پی گفتگو دربارَه عقاید جدید گذرونن.

^{۲۲} پ پولس م مجمع 'اریوپاگوس' ورسید و کُف: «ای پیاھون آنتی، مو شُمون آ هر لحاظ خلی دیندار دیدمه. ^{۲۳} سی یانکه زموئه که م شرّ بگشتم و او چیَه که شُمون بیرستیه سیل کوردم، مذبحه جوسم که ریش نوشتَه بید: "تقدیم به خدای ناشناخته". ایسون، او چیَه که شُمون ناشناخته بیرستیه، مو به شُمون اعلام کُتم.

^{۲۴} «خدايه که دنياَن و هر چيه که مِ وانَ اَفرید، مالک اَسْمون و زمينه و مِ معبدا ساخته دَس بشر ساکن نَم بووه. ^{۲۵} دَسا بشری نَتَرَن خدمته وَش کُنن، او طو که گووی به چی محتاج بووه، سی یانکه خودش بخشنده حیات و نَفَس و هر چی دِگه به کُل آدمونه. ^{۲۶} او کُل قوما بشری آيه انسان به وجود اُورد تا مِ سرتاسر زمین ساکن بوون؛ و زمونا تعیین بیسه سی هُنون و حدود محل سکونتشون مقرر فرمود. ^{۲۷} تا مردم اووه جورنش و چه بسا که دُماش گردن و اووه پدا کُنن، هر چَن که آ هیچ کو آ اُمون دیر نی. ^{۲۸} سی یانکه آ اووه که زندگی و حرکت و هستی دارم؛ او طو که بعضه آ شاعرون خود شُمون آم گفته که آنسل اووم.»

^{۲۹} «پَ وختی آنسل خدا هِسِم، شایسته نی ایطو فکر کُنم که الوهیت، لِف زَر و نقره یا سنگیه که پی هنر و خلاقیت آدم لِف بته تروشیده بیسه. ^{۳۰} نوهاتَر، خدا ایطو جهالتیه در نظر نَم اُورد. اما ایسون به کُل مردم مِ هر جا حکم کُنه که توبه کُنن. ^{۳۱} سی یانکه روزه مقرر کورده که مِ او روز به واسطه پیاپه که تعیین کورده، دنیاَن پی عدالت قضاوت بکُنه و پی ورسونیدنش آ موردون، کُل آ ای امر مطمئن کورده.»

^{۳۲} وختی درباره رستاخیز موردون شُفتن، عده پوزخند زندن، اما بعضه گفتن: «مَخَم درباره یان بیشتر آ تو شُفم.» ^{۳۳} ایطو پولس مجمع ترک کورد. ^{۳۴} اما عده زیاده به او پوستن و ایمون اُوردن. دیونیسیوس، عضو مجمع آریوپاگوس، زونه به نوم داماریس و عده دِگه آم، ا هُنون بیدن.

پولس مِ قرنسس

^۱ بعد آ یان، پولس آتن ترک کورد و به شر قرنسس رفت. ^۲ اونجون پی پیاپه یهودی، به نوم آکیلا، آ مردم پونتوس آشنا بیس که پی زونش پریسکیلا تازه آ ایتالیا اوین بید، سی یانکه کلودیوس قِصر دستور دا بید که یهودیون کُلشون روم ترک کُنن. پولس سی دیدن هُنون رفت، ^۳ و آ اونجون که او آم لِف هُنون کار خمه دوزی داش، پیششون موند و مشغول کار بیس. ^۴ او هر شَمبه مقدس مِ معبد پی یهودیون و یونانیون بحث و گفتگو بکورد و سعی کورد هُنون مجاب کُنه.

° وختی سیلاس و تیموتائوس آ مقدونیه اومِن، پولس خوشه به کُل وقف موعظه کلوم کورد، به یهودیون شوهادت بدا که عیسی همو مسیح موعوده. ^۶ اما وختی پی او وندن به مخالفت کوردن و دشمنون دانش، پولس به نشونه اعتراض، گرد و خاک جومشه تکنید و به هُنون گُف: «خینتون گردن خوتون! مو آ وان مبرا هِسُم. آ ایسون به بعد، پیش غر یهودیون بروم.» ^۷ بعد آ معبد جا به جا بیس و به خونه تیتوس یوستوس رفت که شخصه خداپرست بید و خوئش پَلی معبد بید. ^۸ اما کریسپوس، رئیس معبد، پی کُل آل خوئش به خداوند ایمون آوردن. همیطو خلی آ اهولی قرننس وختی پیوم شَنفتن، ایمون آوردن و تعمید گروفتن.

^۹ یه شو خداوند م رویا به پولس گُف: «مترس! قصه کُن و ساکت مبات! ^{۱۰} سی یانکه مو پی توئم و هیچ ک دَسش وَت دراز نَم گُنه تا ضرره به تو رسونه، سی یانکه مو م ای شر مردم زیاده دارم.» ^{۱۱} پ، پولس یه سال و نیم اونجون موند و کلوم خدان به هُنون تعلیم دا.

^{۱۲} اما زمونه که گالیو، فرموندار ایالت آخائیه بید، یهودیون همدس بیسن، رختن سر پولس و اووه به محکمه گشوندن، ^{۱۳} هُنون گفتن: «ای شخص مخو مردم متقاعد گُنه که خدان پی روشه خلاف شریعت عبادت کُین.»

^{۱۴} وختی پولس مخاس قصه گُنه، گالیو به یهودیون گُف: «آر جرم یا جنایتیه در کار بید، واسکه به شکایت شُمون گوش کُئم.» ^{۱۵} اما وختی مسئله سر کلمات و نوما و شریعت خوتونه، پ خوتون به وان رسیدگی گُنه. مو نَحْم درباره ای چیا قضاوت کُئم.» ^{۱۶} پ هُنون آ دادگا پس در. ^{۱۷} هُنون آم کُشون به سوسیتس، رئیس معبد حمله کوردن و اووه نوها مسند فرموندار زندن. اما گالیو هیچ محل نوند.

ورگشتن پولس به انطاکیه

^{۱۸} پولس بعد آ اقامت طولانی م قرننس، پی برارون وداع کورد و آره دریا عازم سوریه بیس. م ای سفر، پریسکیلا و آکیلا آم پیش بیدن و او م کنخریه سر خوشه تروشید، سی یانکه ایطو نذر کورد بید. ^{۱۹} وختی افسس رسیدن، پولس همسفرن خوشه ترک کورد، به معبد رفت و پی یهودیون بحث و گفتگو کورد. ^{۲۰} هُنون آرش مخاسن مدت بیشتره پشون منه، اما قبول نکورد ^{۲۱} و پی هُنون وداع کورد، گُف: «آر خدا خاسه بووه آندو پیشتون بمیایم.» بعد سوار کشتی بیس و افسس ترک کورد. ^{۲۲} م قَصْرِیه آ کشتی پیاده بیس، به اورشلیم رفت و بعد آ دیدن جوماعت کلیسا، روهی انطاکیه بیس. ^{۲۳} مدته

اونجون موند و آندو عازم سفر بیس، گُل به گُل دیار غلاطیه و فریجینه بگشت و گُل شاگردون م ایمون به خداوند تقویت کورد.

^{۲۴} م او زمون، پیا یهودیه، به نوم آپولس، ا مردم اسکندریه، به افسس اومه. او سخنران ماهره بید و دانش زیاده ا کتابا مقدس داش؛ ^{۲۵} م ره خداوند آموزش دید بید و پی حرارت و شوق زیاد قصه بکورد و پی دقت درباره عیسی تعلیم بدا، هر چن تینا ا تعمید یحیی آگوهی داش. ^{۲۶} او پی شجاعت م معبد شرو کورد به قصه کوردن. وختی پریسکیلا و آکیلا قِصَاش شُفُتَن، اووه خونه خوشون بوردن و ره خدان دَقَق تر به او آموختن.

^{۲۷} وختی آپولس قصد سفر به ولایت آخائیه کورد، برارون تشوقش کوردن و سی شاگردون نوشتن که پی گرمی آزش پذیرویی کُزن. وختی آپولس به اونجون رسید، کسونیه که به واسطه فِض ایمون آوردن بید، کمک زیاده کورد. ^{۲۸} سی یانکه در حضور گُل پی یهودیون بحث و گفتگو کورده، عقاید هُنون پی دلایلا قوی رد کورد و پی استناد به کتابا مقدس ثابت کورد که عیسی همو مسیح موعوده.

۱۹

پولس م افسس

^۱ اما وختی که آپولس م شر قرننس بید، پولس بعد ا گذشتن ا نَوحی مرتفع مرکزی، به شر افسس رسید. اونجون چن شاگرد پدا کورد ^۲ و آزشون پرسید: «آیا وختی که ایمون آورده، روح القدس به شمون عطا بیس؟» گفتن: «آمون حتی نشُفُتَمَه که روح القدس هی؟» ^۳ به هُنون گُف: «پ چه تعمیده گروفتیه؟» گفتن: «تعمید یحیی.»

^۴ پولس گُف: «تعمید یحیی، تعمید توبه بید. او به قوم گُف به وانکه بعد ا او بمیا ایمون آرن، یعنه به عیسی.» ^۵ وختی یان شُفُتَن، در نوم خداوند عیسی تعمید گروفتن. ^۶ و زمونه که پولس دس سر هُنون وند، روح القدس ورسون عطا بیس، اوطو که پی زبونا غر قصه کوردن و نبوت کوردن. ^۷ او پیاهون، کُشون نزیک دوزَه نفر بیدن.

^۸ بعد پولس به معبد رفت، اونجون سو ما پی شجاعت قصه بکورد و درباره پادشوهی خدا بحث و گفتگو بکورد و دلایلا قاطعه ب آورد. ^۹ اما بعضه سرسختی بکوردن و ایمون نم میوردن و نوها گُل، ا آل طریقت بد گفتن. پ پولس ا هُنون سوا بیس و شاگردون پی خودش ورداشت، هر روز م تالار

سخنرانی تیرانوس پی مردم بحث و گفتگو بکورد. ^{۱۰} دو سال ایطو گذشت و م ای مدت، کُل سکنه ایالت آسیا، چه یهود و چه یونانی، کلوم خدانَ شَنُفتن.

^{۱۱} خدا بَدَس پوَلس معجزا خارق العاده ظاهر کورد، ^{۱۲} اوطو که مردم دَسَمالا و جوماشونَ که وَر لارش بسوییدن سی مَرَضون ببوردن و مَرَضی هُنون شفا پیدا بکورد و ارواح پلید آزشون برفتن دَر.

^{۱۳} بعد عده اَجن گِرون دوره گرد یهودی اَم سعی کوردن نوم خداوند عیسانَ وَر گسونه که ارواح پلید داشتن، خونن. هُنون بگفتن: «به او عیسی که پوَلس دربارش موعظه بکنه شُمونَ قسم بدهم!» ^{۱۴} گسونه که ایطو بکوردن، هَف کووکِ اِسکیوا، یکه اَ کاهنون اعظم معبد یهود بیدن. ^{۱۵} اما روح پلید در جواب هُنون کُف: «عیسانَ ب اِشناسُم، پوَلس اَم ب اِشناسُم، اما شُمون کی هِسِه؟» ^{۱۶} پ پیاپه که روح پلید داش جس سَرشون و وَر کُل غلبه کورد و طوره زَندشون که اُخت و زخمی اَ او خونه گروختن.

^{۱۷} وختی کُل سکنه افسس، چه یهودی و چه یونانی، اَ ای امر آگا بیسن، ترس کُشونَ گروف، اوطو که اَ وان به بعد نوم خداوند عیسانَ خلی پی احترام بمیوردن. ^{۱۸} و خلی اَ گسونه که ایمون اُردن بید، پش اومِن و علنی وَر کاراشون اعتراف کوردن. ^{۱۹} خلیا اَم که پش اَ وان جادوگری بکوردن، کتابا خوشونه اُردن و نوها کُل تَش زَندن. وختی قِمَت کتابانَ حساب کوردن، پنجا هزار دِرَهَم بیدن. ^{۲۰} ایطو، کلوم خداوند همه جا پخش بیس و قووت گروف.

^{۲۱} بعد اَ ای وقایع، پوَلس پی هدایت روح خدا تصمیم گروف اَ رَه مقدونیه و آخائیه، به اورشلیم ورگرده. او کُف: «بعد اَ رفتنم به اونجون، وا اَ روم اَم دیدن کُنم.» ^{۲۲} بعد دو تن اَ همکارون خوشه، تیموتائوس و اِراستوس به مقدونیه فرسندید و خودش قدره م آسیا موند.

بَلبشو م افسس

^{۲۳} هَموسون، بَلبشو گپه درباره 'اَل طریقت' شرو بیس. ^{۲۴} نقره کاره به نوم دیمتریوس که بتا نقره اَ آرتمیس بساخت و اَ ای رَه دَرآمد زیاده عاید صنعتگرون کورد بید، ^{۲۵} هُنون و صوحوبون ای حرفنه گرد کورد و به هُنون کُف: «ای سرورون، دونه که ای حرفه، مایه رونق روزی اُمون.» ^{۲۶} اما هَموطو که ببینه و بشنُفه، ای پوَلس نه تِنّا م افسس، بلکه تقریبا م سراسر آسیا، خلیانَ متقاعد و اَ رَه بَدَر کورده. او بگووه خدایون ساخته دَس بشر، خدا نِسِن.

^{۲۷} پ ای خطر هی که نه تِنّا کسب و کار اُمون اَ رونق اُفته، بلکه معبد الهه اعظمون آرتمیس اَم حقیر بووه و او که م آسیا و سرتاسر جهان پرستیده

ببووه، عظمت خوشه آ دس دهه.»

^{۲۸} وختی بیان شتفتن، خلی جر او من، فریاد زندن که «گپه آرتیمیس افسسیون!» ^{۲۹} م گل شر آشوبه شرو بیس! مردم گل پی یک آلا مدون مسابقا هوجیم بوردن و گایوس و آریستارخوس که آل مقدونیه و آ همراهون پولس بیدن، ترکش پی خوشون بوردن. ^{۳۰} پولس مخاس نوها جمعیت ظاهر بووه، اما شاگردون نهشتنش. ^{۳۱} حتی بعضه آ مقامات ایالت آسیا که آ دوسون او بیدن، سیش پغوم فرسنیدن، خواهش کوردن پا م مدون مسابقا نونه.

^{۳۲} جمعیت آشفته بیدن. گل فریاد بزندن و هر ک چی بگفت و بیشتر مردم ندونسن سی چه گرد بیسنه. ^{۳۳} یهودیون، اسکندر پش بسن بید و بعضه آ بن جمعیت به او دستورایه بدان. او دس تکون دا، آ مردم مخاس ساکت بوون و تقلا کورد دفاع گنه و چی گووه. ^{۳۴} اما وختی مردم فمیدن یهودیه، گل پی یک یه صدا، چن دو ساعت فریاد زندن: «اعظمه آرتیمیس افسسیون!»

^{۳۵} آخیر، سردار شر جمعیت آروم کورد و گف: «ای پياھون افسس، کیه که ندونه شر افسس نگبون معبد آرتیمیس اعظم و حافظ بت اووه که آ آسمون نازل بیسنه؟ ^{۳۶} چو ای حقایق غر قابل انکارن، وا آروم بووه و پی عجله کاره نکنه. ^{۳۷} سی یانکه ای پياھون که اینجون آوردیه، نه به معبد آمون دسبرد زندنه و نه به الهه آمون کفر گفته. ^{۳۸} پ آر دیمیتزیوس و همکارون صنعتگرش آ گبیه شکایتیه دارن، در محکما گوشیدن و فرموندارون آم حاضرن. ترن شکایتا خوشونه اونجون بز. ^{۳۹} اما آر مسئله دگه داره، وا وان م جلسا رسمی انجمن شر حل و فصل کنه. ^{۴۰} سی یانکه ای خطر هی که سی دل وقایع امروز به آشوبگری متهم بووم. آر ایطو بووه، نترم دلایله سی توجیه ای بلبشو آرم.» ^{۴۱} یان گفت و جوماعت متفرق کورد.

۲۰

سفر پولس به مقدونیه و یونان

^۱ وختی سر و صداها آشوب خفتید، پولس شاگردون بونگ کورد و بعد آ تشوق هنون، پشون وداع کورد و عازم مقدونیه بیس. ^۲ او آ هر ناحیه که رد بیس، ایموندارون پی قصاش دلگرمی زیاده بدا، تا به یونان رسید ^۳ و سو ما اونجون موند. وختی که مخاس پی کشتی به سوریه رووه، یهودیون علیه او توطئه کوردن. پ تصمیم گروف آ ره مقدونیه ورگرده. ^۴ همراهون او، سوپاتروس کووک پیرروس آ مردم بیریه، آریستارخوس و سیکوندوس آ مردم تسالونیک، گایوس آ مردم یربه، تیخیکوس و تروفیموس آ مردم آسیا و

تیموتائوس بیدن. ° هُنون نوها اُمون رفتن و م ترؤاس بندیر اُمون موندن. ٦ اما اُمون بعد اَ روزا عِد نون فطیر، پی کشتی آ فیلیپی روئه بیسیم و پِن روز بعد، م ترؤاس به هُنون رَسیدم و هَف روز اونجون موندیم.

موعظه پولس م ترؤاس

٧ م روز اول هفته، سی مراسم تیکه کوردن نون گرد بیسیم. پولس سی مردم موعظه بکورد، سی یانکه تصمیم گروف بید صوباش اونجون ترک کُنه، قِصاش تا نصف شو طول کشیدن. ٨ م بالاخونه که گرد بیسیم بید. خلی چراغ بید. ٩ هموطو که پولس داش قِصه بکورد، جوونه به نوم اِفتیخوس که پلی پنجره نِسَه بید، کم کم به خو سنگینه رفت و یِکته آ طبقه سووم اُفتید زر و مورد. ١٠ پولس رفت زر، پلی پیا جَوون نشس و اووه م اُشش گروفت و کُف: «مترسِه، او هنی زندس!» ١١ بعد بالا رفت و نون تیکه کورد و خورد. او تا سحر پی هُنون قِصه کورد و بعد اونجون ترک کورد. ١٢ مردم او جَوون زنده م خوئه بوردن و یان باعث تسلی دل کُل بیس.

١٣ اما اُمون سی باقه سفر، سوار کشتی بیسیم، روئه شر آسوس بیسیم تا اونجون طبق قرار پولس، اووه م کشتی ارم، سی یانکه خودش مخاس بید تا اونجون اَ ره خشکی رووه. ١٤ پ وختی پولس م آسوس دیدم، اووه م کشتی اُردیم و به میتیلینی رفتیم. ١٥ ا اونجون پی کشتی روئه بیسیم و صوباش ری به ری جزیره خیوس رَسیدم. روز بعدش به جزیره ساموس رفتیم و صوباش، به شر میلیتوس رَسیدم. ١٦ پولس تصمیم گروف اَ ره دریا آ پلی افسس رَد بووه تا وختش م ایالت آسیا صرف نَکُنه، سی یانکه عجله کورد که آر جور یرا روز پنتیکاست م اورشلیم بووه.

وداع پولس پی ریش سفدون کلیسا افسس

١٧ پولس ا میلیتوس پغومه به افسس فرسندید و ریش سفدون کلیسان پیش خودش بونگ کورد. ١٨ وختی اوین، به هُنون کُف: «دونه که اَ روز اوله که م آسیا پا وندم، چطو م کُل ای مدت پی شمون سر کوردمه. ١٩ چطو پی کمال فروتنی و پی گریوه خداوند خدمت کوردمه و سختیایه که سی دل توطنا یهودیون سَرُم اومه بید، تحمل کوردمه. ٢٠ دونه ا هر چی که ممکن بید سی شمون سوده داشته بووه، چی درغ نکوردمه، بلکه پیوم سی شمون موعظه کورده، چه م جمع و چه م خوناتون تعلیمتون دامه. ٢١ همیطو به یهودیون و یونانیون هر دون، اعلام کوردمه که وا پی توبه آلا خدا ورگردن و به خداوند اُمون عیسی مسیح ایمون ارن.»

۲۲ «و ایسون، به دستور روح القدس اورشلیم بروؤم و ندوئم اونجون چه سیم پش بمیا؛ ۲۳ الا یانکه م هر شر روح القدس هشدار بدهم که زنون و سختی بندیزمه. ۲۴ اما جوئم وختی سیم ارزش دازه که ترسه بووم خدمتیه که خداوند عیسی به مو سپورده کامل به آخر رسوئم، خدمته که، اعلام خبر خووش فیض خداس.»

۲۵ «ایسون دوئم هیچ کونتون که مو پتون گشتم و پادشوهی خدان موعظه کوردم، دگه ری مون نم بیئه. ۲۶ پ امروز پی شمون اتمام حجت بکنم که مو آ خین گل بری هسم، ۲۷ سی یانکه آ اعلام اراده کامل خدا به شمون کوتوهی نکوردمه. ۲۸ مراقب خوتون و گل گله که روح القدس شمون به نظارت ور وان گماشته بایه و کلیسا خدان که وان پی خین خودش خریده، چوپونی کنه. ۲۹ دوئم بعد آ رفتنم، گرگا درنده بنتون بمیان که ور گله رحم نم کنن. ۳۰ حتی آ خوتون ام گسونه بورس و حقیقت طوره دگه بگون تا شاگردون به پروی خوشون گشونن و آره بدر کنن. ۳۱ پ هوشیار بووه و به یاد بیاره که مو سو سال تموم، شو و روز، دمه آ هشدار داین به شمون پی عرصام، نویدم.»

۳۲ «ایسون شمون به خدا و به کلام فیض بخش او بسپورم که قادره ایمون شمون بنا کنه و بن گل گسونه که تقدیس بیسنه، میراث بخشه. ۳۳ تیه ور طلا و نقره یا جومه گسه نداشتمه. ۳۴ خوتون دونه که بدس خودم، نیازا خومه و گسونیه که پم بیدنه فراهم کوردمه. ۳۵ آ هر لحاظ به شمون نشون دامه که وا ایطو سخت کار کنم تا ترسه بووم دس ضعیفونه گرم و قضا خود خداوند عیسان به یاد داشته بووم که فرمود: "داین آ گروفتن فرخنده تره."

۳۶ وختی قصاش تموم بیسن، پی گل هنون زونی رند و دعا کورد. ۳۷ گل بگریوسن و اووه اش گروفتن و بیوسیدنش. ۳۸ او چی که بیشتر آ گل غصه دارشون کورد، ای قصش بید که گف «دگه ری مون نم بیئه.» اوسون تا کشتی اووه بدرقه کوردن.

سفر پولس به اورشلیم

۱ بعد آ سوا بیسن آ هنون، روهی سفر دریوی بیسم و تا جزیره 'کوس' مستقیم پش رفتیم. صوباش، به جزیره رودس و آ اونجون به بندر پاتارا رسیدیم. ۲ اونجون کشتیه پدا کوردیم که فینیقیه برفت. پ سوار بیسم و حرکت کوردیم. ۳ قیرس سمت چپمون دبیم و آ وان گذشتیم، آلا سوریه پش رفتیم. بعد م بندر صور پیاده بیسم، سی یانکه اونجون واسکه بار کشتی تخلیه بکوردن. ۴ پ

شاگردونَ اونجون دیدم، هَف روز پیششون موندم. هُنون پی هدایت روح القدس به پولس گفتن اورشلیم نرووه. ^۵ سی یانکه وخت موندن اُمون تموم بیس بید، پَ سفرمونَ ادامه دایم. شاگردون کُل پی زنون و بچونشون اُمونَ تا ذرَ آ شَر بدرقَه کوردن. اونجون کنار دریا زونی زَندم و دعا کوردم. ^۶ بعد آ وداع، سوار کشتی بیسیم و هُنون آم به خونا خوشون ورگشتن.

^۷ سفر دریوی خومونه آ بندر صور ادامه دایم و به شَر پنولامائیس رسیدیم. اونجون آ برارون دیدن کوردم و یَه روز آم پیششون موندم. ^۸ صوباش، اونجون ترک کوردم به قَصْرِيَه اومم و به خونه فیلیپس مبشر، یکه آ او هَف نفر که ایموندارون اورشلیم سی مراقبت آ بیوه زنون انتخاب کوردن بید رفتم و پیشش موندم. ^۹ او چار دختر مجرد داش که نبوت بکوردن.

^{۱۰} بعد آ چَن روز که اونجون بیدم، نبیه به نوم آگابوس آ یهودیه رسید. ^{۱۱} او پیش اُمون اومه و کمر بند پولس گروف، دسا و پاها خوشه پی وان بس و گُف: «روح القدس بگووه: "یهودیون اورشلیم صوحوب ای کمر بند ایطو ببندن و بدس غر یهودیون بدهن."»

^{۱۲} وختی یان شَنفتم، اُمون و مردم اونجون به پولس التماس کوردم که آ رفتن به اورشلیم منصرف بووه. ^{۱۳} اما پولس جواب دا: «یان چه کاریه بکُنه؟ آچه پی گریوتون دل مون ب اشکنه؟ مو آمادم سی دل نوم خداوند عیسی نه تِنَا زندون رووم، بلکه م اورشلیم جون دو هام.» ^{۱۴} وختی دیدم متقاعد نم بووه، دس کشیدم و گفتم: «هر چی خاس خداونده، انجوم بووه.»

^{۱۵} بعد آ او روزا، تدارک سفر دیدم و آلا اورشلیم حرکت کوردم. ^{۱۶} بعضه آ شاگردون مقیم قَصْرِيَه آم پمون اومین و اُمونَ به خونه شخصه به نوم مناسون بوردن تا ممونش بووم. مناسون، آل قبرس و یکه آ شاگردون قدیمی بید.

ورود پولس به اورشلیم

^{۱۷} وختی به اورشلیم رسیدم، برارون پی گرمی آزمون پذیرویی کوردن. ^{۱۸} صوباش پی پولس سی دیدن یعقوب رفتم. ریش سفدون کُشون وسنه بیدن. ^{۱۹} پولس به هُنون سلام کورد و مفصل کُل چیا بیه که خدا به واسطه خدمت او بن غر یهودیون انجوم دا بید اعلام کورد.

^{۲۰} وختی شَنفتن، خدانَ تمجید کوردن. اوسون به پولس گفتن: «ای برار، هموطو که ببینی هزارون یهودی ایمون آوردنه و کُل نسبت به شریعت غرت دارن. ^{۲۱} بن هُنون ایطو شایع بیسه که تو به کُل یهودیونه که بن غر یهودیون زندی بکُنین، تعلیم بدهی که آ موسی ری ورگردونن و بگووی بچونشون ختنه

نُكِن و بنا به رسم و رسوم رفتار نكِن. ^{۲۲} ايسون چه وا كُنِم؟ حتما، هُنون ا اومِنت خبردار بيوون. ^{۲۳} پ هر چي به تو بگووم، انجوم ده. اينجون پيش اُمون چار پيا هسن كه نذره دارن. ^{۲۴} هُنون پي خودت بر و پشون آيين تَطهير به جا بيار و خرچشون ده تا ترسه بوون سرا خوشونه تراشن. ايطو كَل بَقَمَن كه اي شايعا درباره تو راس نسن، بلکه تو ام آ شريعت اطاعت بگني و طبق وان زندي بگني. ^{۲۵} اما درباره ايموندارون غر يهودي، اُمون حكم خومونه م نومه به اطلاع هُنون رسوندم و گفتم كه وا ا خوراك تقديمي به بتا، ا خين، ا گوشت جونا خفه بيسته و ا بي عفتي ديري كُنِن.»

^{۲۶} پ، صوباش، پولس او اشخاص پي خودش بورد و پي هُنون آيين تَطهير به جا آورد. بعد به معبد رفت تا تاريخ تموم بيسن روزا تَطهير كه م وان سي هر كونشون قربوني تقديم ببيس، اعلام كنه.

گروفتار بيسن پولس

^{۲۷} چي به آخر هَف روز تَطهير نموند بيد كه چن تا يهودي ا ايالت آسيا، پولس م معبد ديدن. هُنون جمعيت شوروندن و اووه گروفتن، ^{۲۸} فرياد برندن: «اي مردم اسرائيل، يوري كنه؛ يان همو وان كه همه جا كَل بر ضد قوم اُمون و شريعتمون و بر ضد اي مكان تعليم بدهه. در ضمن، اهولي يونان ام م معبد آورده و اي مكان مقدس ناپاك كورده.» ^{۲۹} هُنون نوهائر تروفيموس افسسي م شر پي پولس ديدن بيد و فكر كوردن پولس اووه م معبد بورده.

^{۳۰} سرتاسر شر آشوب بيس! مردم ا هر لا هوجيم آوردن و پولس گروفتن، ا معبد آوردنش در و بي معطلي درا معبد پش سرشون بسن. ^{۳۱} وختي سعي كوردن اووه كشن، به فرمونده سپوهيون روم خبر رسيد كه م كل اورشليم آشوب بيسته. ^{۳۲} او بي معطلي پي سربازون و افسرون خودش الا جمعيت هوجيم بورد. وختي تيا جوماعت ور فرمونده و سربازونش افتيد، ا زندن پولس دس كشيدين.

^{۳۳} فرمونده نزيك اومه و پولس گروفت و دستور دا اووه پي دو زنجير بندن. اوسون پرسيد او كيه و چه كورده. ^{۳۴} ا بن جمعيت هر ك فرياد برند و چي بگف. فرمونده كه سي دل سر و صدا نترس حقت امر فمه، دستور دا تا پولس م قله برن. ^{۳۵} وختي پولس نزيك پلا قله رسيد، سربازون ا شدت خشونت جمعيت مجبور بيدن اووه سر دساوشون برن. ^{۳۶} جمعيتي كه ا دماشون بميومن، فرياد كوردن: «كشيش!»

پولس پي مردم قصه بگنه

۳۷ هَنی پوْلَس م قَلَه نَبورْدَن بید که به فرموندَه کُف: «اجازه بده چی به شُمون گووم؟»

فرموندَه کُف: «تو یونانی بلدی؟»^{۳۸} مَر تو هَمو مصری نیسی که چَن وخت پِش شورشِه بر پا کورد و چار هزار آدمکش پی خودش به بیابون بورد؟»^{۳۹} پوْلَس جوواب دا: «مو پیاپه یهودی آ تارسوس کیلیکیم، شره که بی نوم و نشون نی. تمنا دارم اجازه بده پی مردم قصه کُف.»^{۴۰} وختی اجازه دا، پوْلَس سَر پِلا وسید و دَس خوشه آلا مردم دراز کورد. وختی کُل ساکت بیسن، پی زبون عبرانیون به هُنون ایطو کُف:

۲۲

۱ «ای برارون و ای بوون، به دفاعیه مو که ایسون به عرضتون برسوئم، گوش کُنه.»
۲ وختی شُفتن که هُنون پی زبون عبرانیون خطابشون بکُنه، ساکت تر بیسن.

اوسون پوْلَس کُف: ۳ «مو پیا یهودیه هِسُم، متولد تارسوس کیلیکیه. اما م ای شر گپ بیسمه. شریعت آجدودی خومه به کمال، م محضر گاملائیل یاد گروفتُم و سی خدا عَزَت داشتُمه، هموطو که شُمون ام امروز داره. ۴ مو پروون ای 'طریقت' تا سَر حد مرگ آزار رسوندُم و هُنون آ پیا و زونه گروفتار کوردم و م زندون بسُم. ۵ کاهن اعظم و کُل اعضا شورا یهود وَر ای امر گواهن، سی یانکه آ هُنون نومایه خطاب به برارونشون م دمشق اسوندم تا اونجون رووم و ای مردم به بند کُشم و سی مجازات به اورشلیم ارم.»

۶ «اما وختی م ره نِهنگ دمشق بیدم، نَزیک ظور، یکتَه نور عظیم و شدیده آ اَسْمون دور تا دورم توبید. ۷ سَر زمین اُفتیدُم و صدایه شُفتُم که به مو بگُف: «سائلول! سائلول! اچه مون آزار برسونی؟»»

۸ «پرسیدم: «ای خداوند، تو کی هسی؟»»

جوواب دا: «مو عیسی ناصری هِسُم که تو وَر او آزار برسونی.»
۹ همراهُوئم نور دیدن، اما صدا او گسیه که پی مو قصه بکورد، نشُفتن.

۱۰ «گفتُم: «ای خداوند، چه کُف؟»»

«خداوند کُف: «ورسک و به دمشق رو. اونجون هر چی که انجومش به عهدِه تون، به تو گفته ببوه.»»^{۱۱} اما آ شدت او نور، دِگه تیام تم دیدن. پ همراهُوئم دَسَم گروفتن و به دمشق بوردن.

۱۲ «م دمشق، پیا دیندار و پابند به شریعت زندی بکورد، که نومش حَنانیا

بيد، او پڼ کُل يهوديون، آدم خوش نومه بيد. ^{۱۳} حَنانیا سی دیدنم اومه و گُف: «برارم شائول! روشنا بات!» همو دم، تيام روشنا بیسن و اووه دیدم.»
^{۱۴} «او گُف: «خدا بوونمون تون انتخاب کورده تا اراده اووه دونسه بووی و او صالح که مسیح بینی و قصاش ا دونش شنیفی. ^{۱۵} سی یانکه تو در برابر کُل مردم، شاهد او ببووی و ور هر چی که دیدیه و شنفتیه، شوهادت بدهی. ^{۱۶} ایسون بندیر چه هسی؟ ورسک و تعمید گر و نومش بونگ کن و ا گناهات پاک بات!»»

^{۱۷} «وختی به اورشلیم ورگشتم، م معبد مشغول دعا بیدم که م عالم رویا رفتم ^{۱۸} و خداوند دیدم که بگف: «عجله کن و زیتره اورشلیم ترک کن، سی یانکه هنون شوهادت تون دربارہ مو قبول نم کن.»»
^{۱۹} «گفتم: «ای خداوند، هنون دونن که مو م معبدا برقتم و هنونیه که به تو ایمون داشتن، م زندون بیسم و بزندم. ^{۲۰} و وختی خین شهیدت استیفان برختن، مو خودم اونجون وسته بیدم و پی کارشون موافق بیدم و جوما قاتلون اووه نگدوری کوردم.»»
^{۲۱} «خداوند به مو گُف: «رو؛ سی یانکه مو تون به جاها دیر ا اینجون، پیش غر یهودیون بفرستم.»»

پولس، شهروند رومی

^{۲۲} مردم تا اینجون به پولس گوش دان، اما وختی یان گُف، صدا خوشونه بلند کوردن، فریاد زندن: «زمین ا وجود ایطو آدمه پاک کنه که زنده موندنش روا نی!»

^{۲۳} هموطو که فریاد زندن رداها خوشونه بالا سرشون تکون بدان و خاک راس کورد، ^{۲۴} فرمونده دستور دا پولس م قلّه برن و شولاق زتن و ا او بازخاس کنن تا معلوم دهه مردم سی چه علیه او فریاد بزتن. ^{۲۵} وختی که پولس سی شولاق زندن بیسن، به افسره که اونجون وسته بيد، گُف: «آیا قانون به شمون اجازه بدهه که یه نفر تبعه روم شولاق زنه، در حاله که حتی محاکمه نیبسه؟»»

^{۲۶} افسر وختی یان شنیف، پیش فرمونده رفت و به او گُف: «هیچ دونی چه بگنی؟ ای پیا تبعه رومه!»

^{۲۷} پ فرمونده پیش پولس اومه و ا او پرسید: «گو بیتم، آیا تو تبعه روم هسی؟»

جواب دا: «بله، هسم.»

^{۲۸} اوسون فرمونده گُف: «مو سی بدس اُوردن ای تابعیت، بها گرونه دامه.»
 پولس در جواب گُف: «اما مو پی ای تابعیت زاده بیسمه!»
^{۲۹} هُنون که قرار بید آزش بازخاس گُین، هَمو دَم خوشونه کنار کشیدن.
 فرمونده آم که فَمید رومییه به بند کشیده، خلی ترسید.

پولس در برابر شورا یهود

^{۳۰} صوباش، وختی فرمونده مَخاس پی دقت فَمه که آچه یهودیون پولس متهم کوردنه، اووه آ بند آزاد کورد و دستور دا کاهنون اعظم معبد و کُل اعضا شورا یهود جمع بوون. بعد، پولس اُورد زر تا نوها هُنون حاضر بووه.

۲۳

^۱ پولس وَر اعضا شورا زُل رَند و گُف: «ای برارون، مو تا امروز پی وجدانه پاک در حضور خدا زندی کوردمه.»^۲ وختی یان گُف، کاهن اعظم، حَنانیا، به گسونه که پَلی پولس وستّه بیدن، دستور دا تا م دوش زَن. ^۳ پولس به او گُف: «خدا تون بزنه، ای خوش ظاهر بد باطن! تو سر او مسند نشسیه تا مطابق شریعت مون محاکمه گُنی، اما بر خلاف شریعت، دستور به رَندُم بدهی؟»

^۴ گسونه که نریک پولس وستّه بیدن، گفتن: «به کاهن اعظم خدا اهانت گُنی؟»

^۵ پولس گُف: «ای برارون، ندونسم کاهن اعظمه؛ سی یانکه نوشته بیسه: "پشوا قوم خوته بد مگو."»

^۶ اوسون پولس که دوش بعضیه آ هُنون صدوقی و بعضیه فریسی هسن، پی صدا یُلد م شورا گُف: «ای برارون، مو فریسی و فریسی زادم و سی دل اِدم به رستاخیز موردونه که محاکمه بیوم.»^۷ وختی یان گُف، پِن فریسیون و صدوقیون جر و بحث بیس و جوماعت دو دسه بیسن،^۸ سی یانکه صدوقیون منکر قیامت و وجود ملاکه و روحن، اما فریسیون وَر کُل هُنون اعتقاد دارن.

^۹ همهمه عظیمه شرو بیس! بعضیه آ معلمون تورات که فریسی بیدن، ورسیدن و پی اعتراض گفتن: «خطایه م ای پیا نم بییم. آ کجا معلوم که روح یا ملاکه پی او قصه نکورده بووه.»^{۱۰} بحث طوره بالا گروف که فرمونده ترسید مبادا پولس قَل قَل گُین. پَ به سربازون دستور دا روون زر اووه آ چنگ هُنون درارن و م قَله بَرن.

^{۱۱} م هَمو شو، خداوند پَلی پولس وسید و گُف: «دلت قرص بووه! هموطو که

م اورشلیم وَر مو شوهادت دویی، م روم آم وا شوهادت دِهی.»

توطئه قتل پولس

^{۱۲} صوبا سحرش، یهودیون پی یک توطئه چندن، قسم خوردن تا پولس نَکشن، لو وَر او و غذا نونن. ^{۱۳} بیشتر ا چل تن م ای توطئه دَس داشتن. ^{۱۴} هُنون پیش کاهنون اعظم معبد و ریش سفدون رفتن و گفتن: «أمون قسم خوریمه تا پولس نَکشم، چی نخورم. ^{۱۵} پ ایسون شُمون و اعضا شورا ا فرموده رومی خاسه بووه اووه به حضور شُمون آره، پی ای بوئه که مَخه دَقق تر دربارش تحقّق کُنه. أمون آمادِم پش ا رسیدنش به اینجون اووه کُشم.» ^{۱۶} اما کووک خار پولس ا ای توطئه باخبر بیس و به قله رفت و پولس آگا کورد.

^{۱۷} پولس یکه ا افسرون بونگ کورد و کُف: «ای جَوون پیش فرموده بر، سی یانکه خبره سی او داره.» ^{۱۸} پ افسر اووه پیش فرموده برد و به او کُف: «پولس زندونی مون بونگ کورد و اَزُم مَخاس ای جَوون پیشت اَزُم؛ او مَخو چی به شُمون گووه.» ^{۱۹} فرموده دَس بیا جَوون گروف، اووه کناره کشید و پرسید: «چه مَخی به مو گووی؟»

^{۲۰} کُف: «یهودیون توافق کوردنه که ا شُمون خاسه بوون صوبا پولس به حضور شورا آره، پی ای بوئه که مَخن دَقق تر دربارش تحقّق کُین. ^{۲۱} درخاسشون رد کُن، سی یانکه بیشتر ا چل نفر ا هُنون کمین کوردنه. هُنون قسم خوردنه که تا اووه نَکشن، لو وَر او و غذا نونن. ایسون آمدن و تِنا بندیرن شُمون درخاسشون قبول کُنه.» ^{۲۲} فرموده، جَوون مرخص کورد و اووه قدغن کورد، کُف: «به احده مگو که ای خبر به مو رسوندیه.»

انتقال پولس به قِصریه

^{۲۳} پ او دو تن ا افسرونش بونگ کورد و به هُنون فرمود: «دویس سرباز پیاده، هفتاد سواره نظام و دویس نِزه دار آماده کُنه تا ساعت نه شو به قِصریه روون. ^{۲۴} سی پولس ام عَسبویه فراهم کُنه و اووه صبح و سالم به فلیکس فرمودار تحویل دِیه.»

^{۲۵} نومه ام به ای شرح سیش نوشت:

^{۲۶} «ا کلودیوس لیبیاس

به عالیجناب فلیکس فرمودار:

سلام،

^{۲۷} یهودیون ای بیانَ گروفتنه، قصد گشتنش داشتن، اما مو پی سربازوئم رفتُم، نجاتش دام، سی یانکه شَنفُتُم بید رومیّه. ^{۲۸} وختی مَخاسُم فَمُم اچه وَش اتهام بَرَنن، اووّه به شورا هُنون بورُدُم. ^{۲۹} فَمیدُم که اتهامش مربوط به شریعت خوشوئه و جرّمه مرتکب نبیسه که سزوار اعدام یا حبس بووه. ^{۳۰} بعد وختی آگا بیسُم که علیه او توطئه کوردنه، بی معطلی اووّه پیش شُمون فرسَنیدُم. به شوکیونش آم دستور دامّه تا شکایتیه که آ او دارن، پیش شُمون آرَن.»

^{۳۱} پَ هَمو شو، سربازون طبق دستور، پولس شو به شو پی خوشون تا شر آنتیپاتریس بورَدن. ^{۳۲} آ اونجون به بعد، تنّا سوواره نظام اووّه همروهی بکوردن و بقیه سربازون به قلّه ورگشتن. ^{۳۳} سوواره نظام وختی به شر قِصریه رَسیدن، نومّه به فرموندان تحویل دان و پولس به حضور او اُوردن. ^{۳۴} فرموندان نومّه خوند و اُپولس پرسید آل کو ایالته. وختی فَمید آل کیلیکیس، ^{۳۵} به او گُف: «وختی شوکیونت اینجون رَسیدن، به قِصت گوش بدو هام.» بعد دستور دا تا پولس م کاخ هیرودیس تحت نظر داشته بوون.

۲۴

محاکمه در حضور فلیکس

^۱ پِن روز بعد، کاهن اعظم، حَنانیا، پی چَن تا اُ ریش سَدون و وکیلّه به نوم تِرَتولس، شکایت خوشوئه علیه پولس به حضور فرموندان اُوردن. ^۲ وختی پولس احضار کوردن، تِرَتولس شکایت خوشه در حضور فلیکس ایطو شرو کورد: «عالیجناب، چو مدت زیادیه که زر سایه شُمون صلح و آرامش دارم و آینده نگری شُمون باعث بتر بیسن وضع ای قوم بیسه، ^۳ وظیفه خومون دونم که هر وخت و همه جا، قدردون شُمون بووم. ^۴ اما سی یانکه بیشتر اُ یان مزاحم وخت شُمون نبووم، تمنا دارم مورد لطف خوتون قرارمون دِهه و قِصا مختصرمون شَنفه.»

^۵ «وَر اُمون ثابت بیسه که ای پیا، شخصه فتنه گرّه که بن یهودیون سراسر دنیا شورش بکنه. همیطو اُ سردسون فرقه ناصریّه. ^۶ و حتی سعی کورد معبد بی حرمت کنه؛ سی همی یان گروفتارش کوردیم و مَخاسیم مطابق شریعت خومون محاکمَش کُنیم ^۷ اما لیسایس فرمونده اوّمه و اووّه به زور اُ دَس اُمون دِرُورد، ^۸ و به شوکیون او دستور دا تا به حضور شُمون آین. ایسون، اُر شُمون اُ او بازخاس کنه، حَقَقَت هر چی که اووّه به وان متهم کُنیم، سیتون

معلوم ببوه.»

^۹ یهودیون آم یه صدا قِصا اووه تایید کوردن.

^{۱۰} وختی فرموندار وِر پولس اشاره کورد که قِصه کُنه، او ایطو جوواب دا: «دوئم خلی سآله که کار قضاوت ای قوم بر عهدَه داره؛ پِ پی کمال خوشحولی، آ خودم دفاع بگنم.» ^{۱۱} شمون خوتون تره تحقّق کُنه و فمه که آ زمونه که مو سی عبادت به اورشلیم رفتم، دوزه روز بیشتر نم گذرده، ^{۱۲} و م ای مدت، مون ندیده که م معبد اعظم پی گسه جر و بحث گنم یا یانکه م معبد یا م شر، مردم به بلشو وادار گنم. ^{۱۳} هنون نترن اتهامییه که وِر مو زنده، ثابت کُین. ^{۱۴} اما پیش شمون اعتراف بگنم که پی پروی آ طریقه که هنون بدعت دوننش، خدا بوئونمون عبادت بگنم و به هر چی آم که م تورات و کتابا پعمبرون نوشته بیسه، اعتقاد دارم. ^{۱۵} مو آم لفِ هنون امد به خدا دارم و معتقدم سی خوبون و بدون قیامتِه در پشه. ^{۱۶} سی همی یان، سعی زیاده بگنم تا نسبت به خدا و مردم پی وجدانه پاک زندی گنم.»

^{۱۷} «مو بعد آ سالا زیاده، به شر اورشلیم رفتم تا سی نیازمندان قوم خودم هدایه برم و قربونی تقدیم گنم. ^{۱۸} یان به جا میوردم که مون در حاله که تطهیر کوردم بید، م معبد جوسن. نه جمعیه در کار بید و نه آشوبه. ^{۱۹} اونجون چن یهودی آ ایالت آسیا بیدن که واسکه اینجون نوها شمون حضور پدا بکوردن تا آر اتهامه علیه مو دارن، بازگو کُین. ^{۲۰} و یا یانکه گسونه که اینجون هسن، گوون وختی در حضور شورا وسته بیدم، چه جرمه م مو دیده، ^{۲۱} الا یانکه منجا هنون پی صدا یلند گفتم: «سی دل رستاخیز موردونه که امروز در حضور شمون محاکمه ببوم.»»

^{۲۲} اوسون فلیکس که به خوبی پی طریقت آشنویی داش، محاکمه به وخته دگه موکول کورد و گف: «وختی لیسپاس فرمونده آیه به مسئله شمون رسیدگی بگنم.» ^{۲۳} بعد به افسر مسئول دستور دا تا پولس تحت نظر گِره، اما در ضمن آزودیایه آم به او دهه و مانع یان نبوه تا دوسونش نیازش برطرف کُین.

^{۲۴} چن روز بعد، فلیکس پی زونش دروسلا که یهودی بید، اومه و دُما پولس فرسئید و به قِصاش درباره ایمون به عیسی مسیح گوش دا. ^{۲۵} وختی پولس آ صالحی، پرهزکوری و قضاوت آینده قِصه بکورد، فلیکس ترسید و گف: «فعلا بسه! تری رویی. م فرصته دگه آندو تون بونگ بگنم.» ^{۲۶} در ضمن، امدوار بید پولس رشوه دهش. سی همی یان، چن ر احضارش بکورد و پیش قِصه بکورد.

۲۷ بعد آ دو سال، پورکیوس فستوس جانشین فلیکس بیس. اما فلیکس، سی یانکه سر یهودیون منته و نه، پولس هموطو م حبس هشت بید.

۲۵

محاکمه در حضور فستوس

۱ فستوس سو روز بعد آ ورود به ولایت خودش، آ قصریه به شر اورشلیم رفت. ۲ اونجون کاهنون اعظم معبد و گپون قوم یهود در برابرش حاضر بیسن و اتهاما خوشونه علیه پولس گفتن. ۳ هنون اصرار کوردن فستوس سرشون منت و نه و پولس به اورشلیم فرسنه، سی یانکه م کمین بیدن تا اووه سر ره به قتل رسونن. ۴ اما فستوس جواب دا گف: «پولس م قصریه بازداشته و مو خودم قصد دارم زیتره اونجون رووم. ۵ گسونه آ شمون که در مقام رببری هسن، ترن پی مو این تا آر خطایه آزش سر زنده، شکایت خوشونه علیه او مطرح کین.»

۶ فستوس بعد آ یانکه چن هس تا ده روز پی هنون بید، به قصریه ورگشت و صوباش، محکمه تشکیل دا و امر کورد پولس آرن. ۷ وختی پولس وارد بیس، یهودیونه که آ اورشلیم اومن بید، گردش وسیدن و اتهاما سنگین زیاده وش زندن، اما نترسن هنون ثابت کین. ۸ اوسون، پولس سی دفاع آ خودش گف: «مو به شریعت یهود یا معبد اعظم یا قصر هیچ بی حرمتیه نکوردمه.»

۹ فستوس که مخاس منته سر یهودیون و نه، به پولس گف: «آیا مخی به اورشلیم روی تا اونجون سی ای اتهاما م حضور مو محاکمه بووی؟» ۱۰ پولس جواب دا: «همی ایسون م محکمه قصر وستم که م وان وا محاکمه بووم. شمون خوب دونه که مو هیچ جرمه نسبت به یهودیون مرتکب نبیسمه. ۱۱ ایسون آر خطایه کوردمه یا عملیه که سزاوار مرگ بووه ازم سر زنده، آ موردن ایپایه ندارم. اما آر اتهامایه که هنون ورم بزنی بی پایه و اساسه، هیچ ک نتره مون به دسشون تسلیم کنه. مو آ قصر دادخوهی بکنم.» ۱۲ فستوس بعد آ مشورت پی اعضا شورا خودش اعلام کورد: «آ قصر دادخوهی بکنی؟ پ به حضور قصر برووی!»

مشورت فستوس پی آگریپاس

^{۱۳} بعد آ گذشت چن روز، آگریپاس پادشا و خارش برنیکی سی خووش اومی به فستوس، به قصریه اومن. ^{۱۴} وختی چن روز اونجون موندن، فستوس قضیه پولس پی پادشا در میون وند و گف: «اینجون پیایه هی که فلیکس اووه م زنون هشته. ^{۱۵} وختی به اورشلیم رفتم، کاهنون اعظم معبد و ریش سفون یهود اتهامیه وش زندن و مخاسن محکوم بووه.»

^{۱۶} «به هنون گفتم رومیون رسم ندارن که متهمیه تسلیم کین، پش آ یانکه پی شوکیونش ری به ری بووه و ترسه بووه در برابر اتهاما آ خودش دفاع کنه. ^{۱۷} وختی اینجون گرد بیسن، معطل نکوردم بلکه صوباش، محکمه برگزار کوردم و دستور دام پولس آرن. ^{۱۸} وختی شوکیونش ورسیدن تا قصه کین، اووه به هیچ کو آ اتهامیه که مو انتظار داشتیم، متهم نکوردن. ^{۱۹} بلکه سر چن نکته آ دین خوشون و عیسی نومه که مورده و پولس ادعا بگنه زندس، جر و بحث کوردن. ^{۲۰} مو که ندونسم چطو وا به ایطو مسائله رسیدگی کنم، آ او پرسیدم آیا مایله اورشلیم رووه تا اونجون سی ای اتهاما محاکمه بووه. ^{۲۱} وختی پولس آ قصر دادخوهی کورد و مخاس تا صدور رای او م حبس منه، دستور دام هینش، تا روزه که اووه پیش قصر فرستم.» ^{۲۲} آگریپاس به فستوس گف: «مایلم خودم قشاش شنم.»

گف: «صوبا قسا اووه بشنی.»

پولس در مقابل آگریپاس

^{۲۳} صوباش، آگریپاس و برنیکی پی شکوه و جلال تموم اومن و پی فرموندون نظومی و پیاهون سرشناس شر وارد تالار عام بیسن. به دستور فستوس، پولس به حضور آوردن. ^{۲۴} فستوس گف: «ای آگریپاس پادشا و ای گل حصار محترم! گل جامعه یهود، چه م اورشلیم و چه اینجون، ببینه آ ای پیا پیش مو شکایت کورده و فریاد زنه که نوا زنده منه. ^{۲۵} اما مو فمیدم که او کاره نکورده که سزاش مرگ بووه. اما وختی آ قصر دادخوهی کورد، تصمیم گروفتیم اووه به روم فرستم. ^{۲۶} اما مورده مشخص ندارم که درباره او به خداوندگار قصر نویم. پ اووه به حضور گل شمون، بخصوص به حضور شمون، ای آگریپاس پادشا، اوردمه تا شاید بعد آ بازخاس، چی سی نوشتن جورم. ^{۲۷} سی یانکه مو خلاف عقل دوئم که زندونی بی ذکر اتهامیه که وش زندنه، فرستم.»

اوسون پولس دَس آلا مردم گشید و آ خودش ایطو دفاع کورد: ^۲ «ای آگریپاس پادشا، باعث افتخارمه که ترسُم امروز در حضور شُمون وِسْم، تا در مقابل کُل شکایتا یهودیون آ خودم دفاع کُنم. ^۳ بخصوص یانکه دوئم شُمون پی آداب و رسوم یهود و اختلافا بِنشون کاملا آشنا هِسِه. ایسون، تمنا دارم پی صبر به قصاص گوش دِهه.»

^۴ «یهودیون کَلشون زندگی مونَ آ اول جَوونیم دونن، آ همو اوله که بن قوم خودم و م اورشلیم زندگی بکوردُم. ^۵ هُنون آ قدیم آگاهن و آر خاسه بوون، ترن شوهادت دِهِن که مو به عنوان یه فریسی، آ سخگیرترین فرقه دینمون پروی بکوردُم. ^۶ و امروز سی دل امد به او چی که خدا به بوونمون وعده داس، محاکمه ببووم. ^۷ یان همو وعیدیه که دوزه قبیلَه اُمون آ ته دل، شو و روز به امد رسیدن به وان عبادت بکنن. آ، ای پادشا، در خصوص همی امدَه که یهودیون مونَ متهم بکنن. ^۸ آچه وا سی شُمون حضار بوور کوردنی نبووه که خدا موردون بورسونه؟»

^۹ «مونَ ام یقین داشتم که وا آ انجوم هیچ کاره در مخالفت پی نوم عیسی ناصری کوتوهی نکُنم. ^{۱۰} و یان دُرس همو کاره بید که م اورشلیم بکوردُم. پی دریافت مجوز آ کاهنون اعظم معبد، مقدسین زیادیه م زندون بیسْم و وختی به مرگ محکوم بیسِن، علیه هُنون رای بدم. ^{۱۱} چَن رَ دُما مجازات هُنون، آ معبدَه به معبد دِگه برفتم و سعی بکوردُم به کفرگویی وادارشون کُنم. شدت خشم مو نسبت به هُنون اقدَه بید که حتی تا شرا غِر آ یهودیون ام دُماشون برفتم.»

^{۱۲} «م یکه آ سفرام، پی حکم و اختیارات کامل آ جانوب کاهنون اعظم معبد، عازم دمشق بیدم. ^{۱۳} ای پادشا، نریک ظور، م رَه یکنه نور زیاده که آ نور عفتو ام بیشتر بید، آ آسْمون گرد مو و همراهوئم توبید. ^{۱۴} کَلْمون ری زمین اُفتیدیم و مو صدایه شنفتم که پی زبون عبرونی به مو گُف: “شائلول، شائلول، آچه مونَ آزار برسونی؟ پی ای کار، تِنَا به خودت لطمه بزنی!”»

^{۱۵} «پرسیدم: “ای خداوند، تو کی هسی؟” خداوند گُف: “مو همو عیسی هِسْم که تو به او آزار برسونی. ^{۱۶} ورسک و راسپا وس. مو وَت ظاهر بیسْمه تا تونَ خادم و شاهد خودم کُنم، تا اوچپاییه که آ مو دیدیه و وَر اوچپایه که خومه وَر تو ظاهر بکنم، شوهادت دِهی. ^{۱۷} مو تونَ رهویی ببخشم آ دَس قوم خودت و آ دَس غِر یهودیونه که تونَ پیششون بفرسُم ^{۱۸} تا تپاشون گوشی، تا آ توریکی به نور و آ قدرت شیطون آلا خدا ورگردن، تا گناهشون آمرزیده بوون و بن گسونه که پی ایمون به مو مقدس

بیسنه، نصیبه پدا کُین.»

۱۹ «ای آگریپاس پادشا، پَ ا هَمو وخت، ا رویای آسُمونی سرچی نکوردُم. بلکه اول بن یهودیون دمشق و شَر اورشلیم و کُل سرزمین یهودیه و بعد بن غر یهودیون دُما اعلام ای پیوم بیدَمه که وا توبه کُین و آلا خدا ورگردن و رفتار شایسته توبه داشته بوون. ۲۱ سی دل یان بید که یهودیون مون م معبد گروفتار کوردن و دُما کُشتُم بیدن. ۲۲ اما تا امروز، خدا مون یوری کورده و ایسون اینجون وستَم و به کُل، ا گپ و کوچوک، شوهادت بدوهام. هر چی بگووم چی نی غر ا او چی که پغمبرون و موسی گفتن بید که وا اتفاق افته: ۲۳ یانکه مسیح وا رنج بیته و اولی گسه بووه که ا بن موردون بورسَه، تا روشنوی به ای قوم و قوما دِگه اعلام کُنه.»

۲۴ وختی پولس پی ای قِصا ا خودش دفاع بکورد، فستوس فریاد زَند: «پولس، عقل خوته ا دَس دوییه! علم زیاد، تون لَوَه کورده.»

۲۵ پولس جواب دا: «لَوَه نِسُم، عالیجناب فستوس، بلکه در کمال هوشیاری عِن حَقَقَت بگووم. ۲۶ پادشا خوشون به ای امور آگوهی دارن و مو آم بی پرده پشون قِصَه بکُئُم، سی دل یان یقین دارم هیچ کو ا هنون ا نظرشون دیر نمونده، سی یانکه چی نیبده که م خلوت اتفاق اُفتیده بووه. ۲۷ ای آگریپاس پادشا، آیا به پغمبرون اعتقاد داره؟ دوئم که داره.»

۲۸ آگریپاس به پولس کُف: «ایطو زیتره مَخی مون مسیحی کُنی؟»

۲۹ پولس جواب دا کُف: «ا خدا مَحَم که در یا گه، نه تِنَا شَمون، بلکه کُل گسونه که امروز به مو گوش دانه، لِف مو بوون، البته نه م زنجیر!»

۳۰ اوسون پادشا ورسید و پی او فرموندار و برنیکی و بقیه هُنون که م مجلس بیدن آم ورسیدن ۳۱ و هموطو که قِصَه بکوردن رفتن در و به یِکدو بگفتن: «ای پیا کاره که سزاوار مرگ یا زندون بووه نکورده.»

۳۲ آگریپاس به فستوس کُف: «اَر ای پیا ا قِصَر دادخوهی نکورد بید، بیسی اووه همی ایسون آزاد کورد.»

۲۷

رفتن پولس ا رَه دریا به روم

۱ وختی حکم دان که ا رَه دریا به ایتالیا روم، پولس و بعضه دِگه ا زندونیون به افسره به نوم یولیوس که ا هنگ قِصَر بید، تحویل دان. ۲ پ م کشتیه که ا شَر آدرامیتینوس بید و به بندرا ایالت آسیا برفت، سوار بیسم و حرکت کوردیم. آریستارخوس مقدونی، ا مردم تسالونیکي آم پمون بید.

۳ صوباش به شَر صیدون رسیدم و یولیوس به پولس لطف کورد، اجازه دا پیش دوسون خودش رووه تا نیازاش فراهم کُنن. ۴ آ اونجون آندو روته بیسم و آ کناره بادپناه قبرس پش رفتیم، سی یانکه جهت باد مخالف اُمون بید. ۵ بعد آ یانکه آ ساحل کیلیکیه و پامفیلیه رد بیسم، م بندر میرا، که م لیکیس پیاده بیسم. ۶ اونجون افسر رومی کشتیه جوس که آ اسکندریه به ایتالیا برفت، اُمون ام سوار وان کورد. ۷ چن روز همیطو آروم پش رفتیم و پی سختی به ساحل کنیدوس رسیدیم. سی یانکه باد مخالف اُمون بید، آ کناره بادپناه کرت، تار ی به ری شَر سالمونی روندیم. ۸ پی سختی آ کنار ساحل گذشتیم و جایه به اسم بندرا نیک، رسیدیم که نریک شَر لاسائیه بید.

۹ زمون زیاده آ دس دایم بید و حتی روز روزه ام گذشت بید و سفر دریوی م او وخت آ سال خطرناک بید. سی دل یان، پولس به هُنون هشدار دا، کُف: ۱۰ «سرورون، ترم بیئم که سفر پُر خطره دارم و ضرر زیاده نه تِنَا وَر کشتی و بارش، بلکه به جون اُمون ام برسه.» ۱۱ اما افسر رومی به قِصا ناخدا و صوحوب کشتی بیشتر توجه کورد تا قِصا پولس. ۱۲ سی یانکه او بندر سی گذروندن زمسون مناسب نبید، بیشترشون ایطو رای دان که به سفر ادامه دهم، پی ای امد که به بندر فینیکس رسم و زمسون اونجون گذرویم. ای بندر م کرت بید و ری به جنوب غربی و همیطو شمال غربی بید.

طوفون دریا

۱۳ وختی باد ملایم جنوبی شرو بیس، گمون کوردن به چی که مَخاسنه رسیدنه؛ پ لنگر کشتی کشیدن بالا و در امتداد ساحل کرت پش روندن. ۱۴ اما طولِه نگشید که باد خلی شدید بیس، باده که معروف به باد شمال شرقی بید، آ جنوب جزیره آلا اُمون شرو بیس. ۱۵ کشتی گروفتار طوفون بیس و نترس خلاف مسیر باد پش رووه؛ سی همی یان، خومونه دس باد سُپوریم و هم مسیر باد بیسم و باد ببوردمون. ۱۶ م پنه جزیره کوچوکه به اسم کودا پش رفتیم و پی سختی ترسم بلماییه که سی نجات بیدن م کشتی آرم. ۱۷ وختی ملوونون بلما نجات م کشتی آوردن، هُنون پی طناف به اطراف کشتی بسن تا قل قل نبیون و آ ترس یانکه مبادا به گل تشینن بادبانان کشیدن زر و کشتی م مسیر باد ول کوردن. ۱۸ صوباش، وختی طافا دریا محکم وَر کشتی بخوردن، مجبور بیسن بار کشتی م دریا رزن. ۱۹ روز سووم، پی دسا خوشون لوازم کشتی م دریا بسن. ۲۰ روزا همیطو بگذشت و اُمون رنگ عفتو و ستاران نم دیدم و طوفون ام کم نم بیس، او طو که کلمون، امد نجاتمون آ دس دایم بید.

۲۱ بعد آ مدته بی غذوی، پولس بنشون وسید و گُف: «سرورون، شُمون واسکه به قصه مو گوش باده و کرت ترک نم کورده تا اقدّه آسیب و ضرر نبینه. ۲۲ ایسون آم آ شُمون خواهش بکنم که شهامتتون آ دس ندهه، سی یانکه آسیبه وَر جون هیچ کو آ شُمون نم رسه؛ تنّا کشتی آ دس برووه. ۲۳ سی یانکه دوشو ملاکه خدایه که مال اووم و خدمتش بکنم، پلیم وسید ۲۴ و گُف: «پولس، مترس. تو وا سی محاکمه، نوها قصر آماده بووی، یقین داشته بات، که خدا جون کُل همسفرونت به تو بخشیده.» ۲۵ پ ای پياهُون، دلتون قرص بووه، سی یانکه به خدا ایمون دارم که هموطو که به مو گفته، ببووه. ۲۶ اما کشتی اُمون وا جاپه م جزیره به گل نشینه.»

۲۷ شو چاردهم، باد هنی اُمون م دریا آدریاتیک ایلا و اولّا بیورد. نَزیک نصف شو، ملوونون گمون کوردن به خشکی نَزیک بیوون. ۲۸ پ عمق اووه اندازه رَندن و دیدن چن چل متره. کمه دِگه، آندو اندازه زن و دیدن چن سی متره. ۲۹ و وختی ترسیدن م صحرا خورن، چار لنگر آ عقب کشتی بسن م دریا و دعا بکوردن زیتره روز بووه. ۳۰ ملوونون سی گروختن آ کشتی، بلما نجات م دریا بسن، پی ای بوئه که مخن چن لنگر آ نوها کشتی م دریا بهن. ۳۱ پولس به افسر و سربازون گُف: «آر ای پياهُون م کشتی نمَن، نتره نجات پدا کنه.» ۳۲ پ سربازون طنافایه که بلما نجات پشون بسن بید بُردن و بلمان ول کوردن.

۳۳ کمی موندّه به طلو عفتو، پولس کُل تشوق کورد که چی خورن. گُف: «آمروز چارده روزّه که بندیر بیدیه و چی نخوردیه و گُسنه موندیه.» ۳۴ پ تمنا دارم غذا خوره، سی یانکه سی زنده موندن به وان نیاز داره. مییه آ سر هیچ کونتون کم نم بووه. ۳۵ وختی یان گُف، نون گروفت و نوها کُل خدان شکر کورد و نون تیکه کورد و مشغول خوردن بیس. ۳۶ پ کُل دلگرم بیسن و غذا خوردن. ۳۷ کُل هُنون که م کشتی بیدن، دوپس و هفتاد و شیش تن بیدن. ۳۸ وختی سر بیسن، بقیه غلنه آم م دریا رختن و کشتی سبک کوردن.

۳۹ وختی روز بیس، خشکی ن اشناختن، اما خلیج کوچوکه پی ساحل شنی دیدن. پ تصمیم گروفتن تا در صورت امکان کشتی اونجون به گل نشونن. ۴۰ بند لنگران بُردن و هُنون م دریا ول کوردن و طنافایه که سکان کشتی پشون بسن بید آم گوشیدن. بعد، بادبان نوها کشتی م مسیر باد بالا بردن و آلا ساحل پش رفتن. ۴۱ اما کشتی وَر یکه آ بلندیا زر او خورد و به گل نشس. نوها کشتی ثابت و بی حرکت موند، اما قسمت عقب کشتی سی دل ضربا طافا ایشکس.

۴۲ سربازون دُما یان بیدن تا زندونیون گُشن مبادا گسبه پی شنو گروزه. ۴۳ اما افسر رومی که مخاس جون پولس نجات دَهه، نوهاشون گروفت و دستور دا اول گسونه که شنو بلدن، خوشونه م دریا بهن و به خشکی رسونن. ۴۴ بقیه ام ری تیکا اشکنیده کشتی و چووا خوشونه به خشکی رسونن. ایطو کُل سالم به خشکی رسیدن.

۲۸

جزیره مالت

۱ وختی سلومت به ساحل رسیدیم، فمیدم او جزیره مالت اسمشه. ۲ اهولی جزیره به امون لطف زیاده کوردن. هُنون سی امون تشیه گولنیدن، سی یانکه بارون بمیومه و هوا سرد بید، امون پی گرمی پذیرویی کوردن. ۳ پولس قدره هیزم گرد کورد و ری تش وند، سی دل حرارت تش، ماره ا بن هُنون اومه در و ور دس پولس چسبید. ۴ اهولی جزیره وختی دیدن که مار آ دس او دنیلوزه، به یکدو گفتن: «حتما ای پیا قاتله سی یانکه بعد آ نجات آ دریا، عدالت نم هُلس زنده منه.» ۵ اما پولس مار م تش بس و هیچ صدمه ندید. ۶ مردم انتظار داشتن که لارش ورم گنه یا یکنه افته و میره. اما بعد آ قبه انتظار، وختی دیدن هیچ صدمه ندیده نظرشون عوض بیس و گفتن آ خدایونه. ۷ م او نژیکی زمینایه بید که مال رئیس جزیره پوبلیوس بیدن. او امون به خونه خودش دعوت کورد و سو روز پی گرمی آزمون پذیرویی کورد. ۸ آ قضا، بووه پوبلیوس مرض بید و ثو و اسهال داش. پولس پیش او رفت و سیش دعا کورد، سرش دس کشید و شفاش دا. ۹ بعد آ ای اتفاق، باقه مرضونه که م جزیره بیدن، بمیومن و شفا بگروفتن. ۱۰ هُنون امون خلی عزت و احترام وندن و وختی آماده رفتن بیسم، هر چی لازم داشتیم سیمون فراهم کوردن.

ورود به روم

۱۱ بعد آ سو ما، پی کشتیه که زمسون م جزیره موند بید، روهی دریا بیسم. او کشتی آ اسکندریه بید و علامت خدایون یونانی باد داش. ۱۲ به سیراکوز رسیدیم، لنگر بیسم و سو روز اونجون موندیم. ۱۳ بعد سفر دریویمون ادامه دایم و به شر ریگیون رسیدیم. صوباش، باد جنوبی اومه و پصوباش به شر پونتیولی رسیدیم. ۱۴ اونجون برارون زیاده جوسیم که آ امون دعوت کوردن یه هفته پیشون سر گنم. اخیر به روم رسیدیم. ۱۵ برارون اونجون شفتن بید که م رهم، سی دل یان تا بازار آپیوس و دیکه سو مخونه، نوهامون اومن تا آزمون

استقبال گُین. پولس پی دیدن هُنون خدانَ شکر کورد و قووت قلب گروف.
۱۶ وختی به روم رَسیدم، به پولس اجازه دان تا پی یه سرباز محافظ م خونیه
خودش منّه.

پولس م روم

۱۷ سو روز بعد، پولس گپون یهودَ دعوت کورد. وختی گِرد بیسن، به هُنون
گُف: «ای برارون، پی یانکه مو کاره بر ضد قوم خودم یا رسوم بوئومون
نکوردم بید، مون م اورشلیم گروفنار کوردن و تحویل رومیون دان. ۱۸ هُنون ا
مو بازخاس کوردن و مَخاسن آزادم گُین، سی یانکه جرِمه ا مو ندیدن که
سزاوار مرگ بووم. ۱۹ اما وختی یهودیون اعتراض کوردن، ناچار بیسم ا
قِصر دادخوهی گُتم، البته نه سی یانکه ا قومم شکایتیه کورده بووم. ۲۰ ا یان
مَخاسم شمون بیسم و پتون قصه گُتم، چو سی دل ایمونم به ظهور مسیح که
مون پی زنجیر بسنه.

۲۱ هُنون در جواب گفتم: «امون هیچ نومه ا یهودیه درباره تو دریافت
نکوردمه و هیچ کو ا برارونه که ا اونجون اومنه خبر یا گزارش بده درباره
تون اوردنه. ۲۲ اما مایلم که نظرا تون گوش گُتم، سی یانکه دونم مردم همه
جا بر ضد ای فرقه قصه بگُین.»

۲۳ پ روزه تعیین کوردن و عده خلی زیاده به محل اقامت او اومین تا پیش
ملاقات گُین. او ا سحر تا شو، مفصل درباره پادشوهی خدا پی هُنون قصه
کورد و سعی کورد تا پی دلیلیه ا تورات موسی و کتابا پغمبرون، درباره
عیسی مجابشون گُنه. ۲۴ بعضه آزشون قِصاش قبول کوردن، اما بعضیاشون
ایمون ن اوردن. ۲۵ پ در حاله که پی یکدو جر و بحث بکوردن، او محل
ترک کوردن. اما نوها یانکه اونجون ترک گُین، پولس کلوم آخر خوشه به
هُنون ایطو گُف: «روح القدس چه دُرس پی بوئنتون قصه کورده، اوسون که
به واسطه اشعیا نبی فرمود:

۲۶ "پیش ای قوم رو و گو

پی گوش خوتون بشنُفه، اما اته نم فمه؛

پی تیه خوتون ببینه، اما اته درک نم گُنه.

۲۷ سی یانکه دل ای قوم سنگ بیسه،

گوشاشون سنگین بیسه،

و تیا خوشونه بسنه،

مبادا پی تیاشون بینن،

و پی گوشاشون شنُفن،

و م دلاشون فَمِن

و ورگردن و مو شفاشون دو هام.»»

^{۲۸} «پَ دونسه بایه که نجات خدا پیشِ غِر یهودیون فرسنیده بیسه و هُنون گوش بگُئِن!» ^{۲۹} بعد آ یانکه یان گُف، یهودیون آ اونجون رفتن، در حاله که پی یَکدو سخت جر و بحث کوردن.

^{۳۰} ایطو پولس دو سال تموم م خونیه که کِرا کورد بید زندگی کورد و هر گنه پیشش بمیومه، قبول کورد. ^{۳۱} او پادشوهی خدان اعلام کورد و پی شجاعت و بی پروا دربارهِ عیسی مسیح خداوند تعلیم دا.

